

انگاشت‌پردازی چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران^۱

نسرین محمودپور^۲

زهره عبدی دانشپور^۳

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: توسعه شهری دانش- پایه، برنامه‌ریزی شهری، رهیافت برنامه‌ریزی شهری، شهر تهران.

چکیده

گذار از دوره صنعت یا تولید- ماده به دوره دانش یا تولید- دانش و در آستانه سده بیست و یکم میلادی تغییراتی چون جهانی شدن، مطرح شدن بحث «اقتصاد دانش»، شکل‌گیری جوامع شبکه‌ای، و پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات فرایند توسعه فضایی و برنامه‌ریزی شهری در جهان را به شدت متأثر کرده و به نیاز به شکل‌گیری الگواره نوین توسعه شهری، یعنی توسعه شهری دانش- پایه انجامیده که خواستار قانونمندی‌ها و ترتیبات فضایی نوینی در شهرهای هر دو جهان بیشتر و کمتر توسعه‌یافته است. پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه با استفاده از سیستم و سازوکار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهر تهران برای رویارویی با تغییرات نوین شهری و بهره‌گیری از فرصت‌های دوره دانش در فرایند توسعه شهر تهران، به دلایلی که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان استفاده نارسا از رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی شهری، دانش- پایه نبودن سیستم‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری، و چیرگی دیدگاه اقتصادی بر درک از این شکل از توسعه برشمرد، در پژوهش پایه این مقاله ردیابی نشده است. چنین

نارسایی‌هایی ضرورت پرداختن به چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی، که برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران، مورد نیاز است، را توجیه می‌کند. از این رو، هدف این مقاله ردیابی چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه در زمینه نظر و عمل در جهان و به دست آوردن چارچوبی انگاشتی برای آزمون این اصول در سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران است، تا بتوان مشکلات، کاستی‌ها، و بازدارنده‌های سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران را در پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه شناسایی کرد. به منظور دستیابی به هدف این مقاله، از روشی با مسیری دوگانه استفاده شده است: مسیر نخست، پژوهش پایه مقاله را شکل می‌دهد، و مسیر دوم، بر پایه برون‌دادهای پژوهش پایه مقاله، چارچوبی را برای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران پیشنهاد کرده و به کار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز تحلیل با استفاده از بررسی اسناد موجود و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با دست‌اندرکاران تولید و اجرای برنامه‌های شهری در شهر تهران گردآوری و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل متن، در چارچوب رهیافت پژوهش کیفی، تحلیل شده است. بر پایه یافته‌های حاصل از تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران در مسیر پژوهش تحلیلی این مقاله، نتیجه آن است که سیستم و سازوکار موجود برنامه‌ریزی شهری در این شهر، در صورت مداوم روال جاری، از پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه ناتوان است. پایه‌گذاری

۱. این مقاله مبتنی بر رساله دکتری نگارنده اول مقاله است، که با عنوان چارچوب انگاشتی برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران به راهنمایی نگارنده دوم در شهر یور ۱۳۹۴ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.
۲. دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی؛ a_mahmoudpour@sbu.ac.ir
3. z_danesh@sbu.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. اصول پایه و راهنمای برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه در بهره‌گیری از فرصت‌های دوره دانش برای به‌کارگیری در فرایند توسعه در شهرها، به‌طورکلی، و در شهر تهران، کدامند؟
۲. پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه در سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران نیازمند چه تمهیدات روند کاری است؟

توسعه شهری دانش- پایه توسط سازوکار برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران، به چرخش رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی به رهیافت‌های فضایی، راهبردی، رابطه‌ای، و دانش- پایه برنامه‌ریزی و حرکت به سوی وضعیتی نیازمند است که در آن اصول پایه‌ای مشخص به کار رفته باشد. مهم‌ترین چنین اصولی را می‌توان نخست) گسترش ابزارهای قانونی پشتیبان پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه، دوم) تقویت سازوکار رسمی همکاری یا برقراری روابط همکاریانه میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری، سوم) ایجاد چارچوب یکپارچه سیاست‌گذاری شهری برای هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری شهری، و چهارم) پذیرش و به‌کارگیری یک رهیافت دانش- پایه در برنامه‌ریزی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دانش- پایه یا به‌کارگیری اصول مدیریت دانش (یا مدیریت با دانش) در سیستم برنامه‌ریزی شهری، مرتبط با فرایندهای تولید و اجرای برنامه در شهر تهران، برشمرد.

۱. مقدمه: طرح مشکل مورد پژوهش، هدف و روش کار مقاله

۱.۱. طرح مشکل

جهان در دهه‌های پایانی سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم میلادی گذار از دوره صنعت یا دوره تولید- ماده به دوره دانش یا دوره تولید- دانش را تجربه کرده و با رویدادهای دگرگون‌کننده‌ای، چون جهانی شدن، مطرح شدن بحث «اقتصاد دانش»^۴، شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای، و پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، رویارو شده است. این رویدادهای دگرگون‌کننده، فرایند توسعه فضایی را در هر دو دسته کشورهای کمتر و بیشتر توسعه یافته متأثر کرده و به تغییر الگوواره توسعه شهری به توسعه دانش- پایه منجر شده است. توسعه دانش- پایه با خود پیچیدگی هرچه بیشتر سیستم‌های شهری را به‌همراه داشته و خواستار قانونمندی‌ها و ترتیبات فضایی نوینی در شهرها است. رهیافت‌های سنتی و خطی برنامه‌ریزی، و شیوه‌های رایج سیاست‌گذاری شهری نمی‌توانند با پیچیدگی تغییرات شهری سده بیست و یکم میلادی، که از توسعه دانش- پایه (که بر استفاده کارآمد از منابع دانش در فرایند توسعه محلی تأکید می‌کند) برخاسته، رویارویی کنند. درک این نارسایی و عزم رویارویی با آن، در برخی جوامع، به تمرکز پژوهش و عمل برنامه‌ریزی شهری بر توسعه شهری دانش- پایه و به‌کارگیری رهیافت‌ها و سازوکارهای برنامه‌ریزی مناسب برای پایه‌گذاری آن

۴. اقتصاد دانش (knowledge economy) جهت‌گیری اقتصادهای پیشرفته به وابستگی بیشتر به دانش، اطلاعات، سطوح بالای مهارت منابع انسانی، و مبارزه با جدایی‌گزینی و محرومیت اجتماعی- اقتصادی است که در آن، تولید، توزیع و استفاده از دانش، محرکه اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال است.

تسهیل می‌کند و فرصتی مناسب را در اختیار تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان شهری، برای دانش-پایه و یکپارچه کردن فعالیت‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و مدیریت شهری در تهران، قرار می‌دهد. این امر به معنای بهره‌گیری از فرصت‌های دوره دانش در هماهنگی با جریان جهانی مرتبط با توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران، به‌ویژه با توجه به شرایط زمینه‌ای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه، است. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از اصول و معیارهای برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران تحلیل شده است و این برون‌داد پژوهش پایه این مقاله است. تحلیل سیستم برنامه‌ریزی، با توجه به عوامل زمینه‌ای لازم در پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه، امکان واکاوی شرایط پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران را فراهم کرده است. تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، از دیدگاه پاسخ‌گویی به اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، مشکل‌های پایه‌گذاری، مدیریت، و پیگیری مسیر توسعه شهری دانش-پایه را در شهر تهران آشکار می‌کند.

۳.۱. روش کار

برای دستیابی به هدف این مقاله، اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه بر پایه تعریف‌ها، پایه‌های نظری و تجربه‌های جهانی آن ردیابی شده تا بتوان چارچوبی انگاشتی^۵ پیشنهاد کرد که بر پایه آن، سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران و شرایط، مشکلات، و بازدارنده‌های پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه با استفاده از سازوکار برنامه‌ریزی-تحلیل و سپس معرفی گردد. روش طراحی اختیارشده یک مسیر دوگانه اکتشافی-توصیفی-تجویزی و تحلیلی-تجویزی است (ت ۱)، که در مسیر نخست، از یک سو، پایه‌های نظری توسعه شهری دانش-پایه (شامل تعریف، ابعاد، رهیافت‌های پشتیبان، و ارتباط آن با نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری) بررسی و از سوی دیگر،

منجر شده است. توسعه شهری دانش-پایه در شهرها ابتدا، به عنوان یک اثر منتج از نیروهای بازار جهانی و وابسته به این نیروها و بدون استفاده از سازوکار برنامه‌ریزی مطرح گردید. با وجود این، پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه در سده بیست و یکم میلادی- به منزله شکل نوین توسعه شهری که ظرفیت دستیابی به رفاه اقتصادی و نظم فضایی-اجتماعی پایدار را برای شهرها دارد- نه فقط به شدت به کارگیری رهیافت‌های مناسب برنامه‌ریزی شهری و سازوکارهای مرتبط با آن وابسته است، بلکه خواستار خصلت‌های نوینی از سیستم و سازوکار برنامه‌ریزی شهری است. پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه با استفاده از سیستم و سازوکار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری و توجه به اصول پایه پایه‌گذاری این انگاشت در شهر تهران، به منظور رویارویی با تغییرات نوین شهری و بهره‌گیری از فرصت‌های نهفته در این انگاشت در فرایند توسعه شهر تهران، در پژوهش پایه این مقاله ردیابی نشده است. چنین نارسایی، ضرورت پرداختن به اصول برنامه‌ریزی مورد نیاز برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران را توجیه می‌کند و نتایج چنین ردیابی به تمرکز پژوهش پایه این مقاله بر تمهید چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه انجامیده است، توسعه‌ای مناسب به کارگیری در شهر تهران و شناسایی مشکلات، کاستی‌ها، و نیز بازدارنده‌های موجود در سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه.

۲.۱. هدف

هدف این مقاله ردیابی اصول پایه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه و آزمون این اصول در سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، برای شناسایی مشکلات و نیز بازدارنده‌های پایه‌گذاری این شکل از تغییر و توسعه در سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران است: به کارگیری این اصول در چارچوب یک سیستم برنامه‌ریزی شهری، پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران را

۵. چارچوب انگاشتی (conceptual framework) به معنای یک شبکه از انگاشت‌های دارای ارتباط درونی (به هم مرتبط) است که با همدیگر درکی جامع از یک پدیده را شکل می‌دهند.

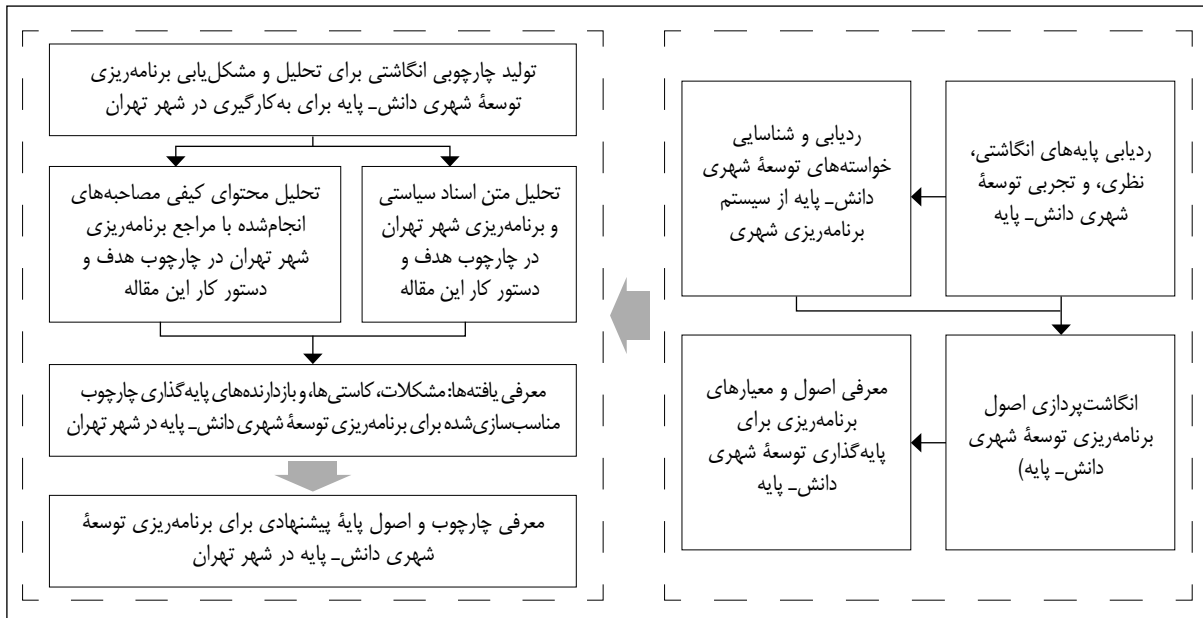
و به کار گرفته شده است. داده‌های مورد نیاز تحلیل انجام شده در مسیر دوم متشکل از دو دسته است، که دسته نخست را اسناد موجود برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهر تهران و دسته دوم را نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های نیمه-ساختاریافته با دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر^۶ در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری در شهر تهران (یا برخی از مراجع اصلی برنامه‌ریزی شهر تهران) تشکیل می‌دهد. در مسیر دوم، در تحلیل دو دسته اطلاعات پیش گفته، یعنی اسناد موجود برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهر تهران و نیز مصاحبه‌های انجام شده با مراجع برنامه‌ریزی شهری شهر تهران، از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و تحلیل متن^۷ برای ردیابی مشکلات و کاستی‌های سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران در پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه استفاده شده است. بررسی نخستین چگونگی پاسخ سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران به اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، با استفاده از معیارهای تحلیل برآمده از مطالعات نظری (که در

خواسته‌های توسعه شهری دانش-پایه از سیستم برنامه‌ریزی ردیابی شده است تا، از در برابر هم قرار دادن این خواسته‌ها و رهیافت‌های نظری پشتیبان توسعه شهری دانش-پایه، چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه پیشنهاد شود. این به معنای تولید اصول و معیارهایی مشخص در چارچوب برنامه‌ریزی شهری است که می‌توان، با توسل به آن، پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه را تسهیل کرد. روش پژوهش در مسیر نخست سنتز (یا همگذاری) نتایج مطالعات نظری است: گردآوری، پردازش، و تحلیل اطلاعات مربوط به چارچوب‌های انگاشتی، نظری، و تجربی مرتبط با موضوع و دستور کار این مقاله، با مراجعه به متون و پژوهش‌های مرتبط که به منظور تولید اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، با رویکردی توصیفی-تجویزی استفاده شده است. این مسیر، پژوهش پایه مقاله را شکل می‌دهد. در مسیر دوم-مبتنی بر یافته‌های پژوهش پایه در مسیر نخست و برای دستیابی به هدف مقاله-چارچوبی انگاشتی برای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران پیشنهاد

۶. دست‌اندرکاران (stakeholders) و/یا عاملان (بازیگران actors) درگیر در تغییر و توسعه شهری دانش-پایه معمولاً با یک شکل مثلثی نشان داده می‌شوند که حکومت (شامل دولت)، اقتصاد (شامل شرکت‌های کسب و کار)، و جامعه مدنی ارکان آن هستند، این ارکان راهبردهای همیاری را از طریق مهار منابع فضایی شکل می‌دهند.

۷. تحلیل متن (documentary analysis) و تحلیل محتوای کیفی (analysis qualitative content) است که در چارچوب رهیافت پژوهش کیفی قرار دارد. رهیافت پژوهش کیفی یکی از گونه‌های سه‌گانه رهیافت پژوهش (یعنی کیفی، کمی، و ترکیبی) است که مبتنی بر دیدگاه فلسفی پژوهش، راهبرد پژوهش، روش گردآوری داده، و نوع داده‌ها، در یک پژوهش اختیار می‌گردد.

ت ۱. نمودار روش کار طراحی و اختیار شده در پژوهش پایه برای دستیابی به هدف مقاله، مآخذ: نویسندگان، برای استفاده در این مقاله.





مسیر نخست این مقاله با این قصد انجام شد، صورت گرفته است تا بر پایه این تحلیل و در دستیابی به هدف مقاله، چارچوبی انگاشتی برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه، با استفاده از سازوکار برنامه‌ریزی شهری، پیشنهاد شود.

۱.۴.۴. دستاورد

دستاورد متکی بر مسیر پژوهش پایه این مقاله کوشش در معرفی چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی است که در صورت به‌کارگیری در سیستم تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری، توسعه شهری دانش- پایه امکان پایه‌گذاری بیابد، تسهیل شود و نیز فرصتی در اختیار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری برای راه‌اندازی و تکمیل سیستم دانش شهری قرار گیرد که توان دانش- پایه و یکپارچه کردن فعالیت‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و مدیریت شهر تهران را داشته باشد. این امر به معنای بهره‌گیری از فرصت‌های دوره دانش در شهری چون تهران است که، در صورت ترکیب مناسب و هدفمند با روال برنامه‌ریزی در سطوح شهری و فراشهری، امکان ارتقای کیفیت زندگی را در شهر تهران- به موازات هماهنگی با جریان جهانی مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه- فراهم کند. پرداختن به شرایط زمینه‌ای در پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه نیز دستاوردی به‌شمار می‌رود که در این مقاله به بخشی از آن پرداخته شده است.

۲. پایه‌های نظری مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه با هدف تولید چارچوب انگاشتی برای به‌کارگیری در شهر تهران

پیشینه اندیشه در مورد توسعه دانش- پایه در شهرها به تغییر شکل و پیشرفت درک از دانش و توسعه و ارتباط مستقیم توسعه و دانش مرتبط است که، با دو رویداد در دهه‌های پایانی

سده بیستم در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، قابل‌ردیابی است. رویداد نخست، مواجه شدن شهرهای بزرگ صنعتی در کشورهای بیشتر توسعه‌یافته با افت اقتصادی، اجتماعی، و شهری، در نتیجه از دست دادن ساختار صنعتی است که در پی آن تلاش‌هایی برای نگهداشت ارکان شرکت‌های بزرگ، به منظور رشد اقتصادی پایدار، شده است. رویداد دوم، موفقیت اولین پارک علمی، پارک علم استنفورد^۸ در دهه ۱۹۵۰ میلادی در ایالات متحده و موفقیت‌های مجتمع فنی سیلیکون ولی^۹ در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی است که دولت‌های ملی و منطقه‌ای زیادی را برای شکل‌دهی به مجموعه‌های صنعتی با فناوری بالا ترغیب کرد. این رویدادها در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات سرعت یافت که، با کشف نقش حیاتی دانش در توسعه اجتماعی- اقتصادی و محیطی پایدار و جانشینی دوره اطلاعات با دوره دانش^{۱۰} در دهه ۱۹۹۰ میلادی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، به دگرگونی و پیشرفت درک از دانش و توسعه (یعنی افزایش نقش و اهمیت دانش در توسعه) و شکل‌گیری توسعه دانش- پایه انجامید. چنین رویدادهای دگرگون‌کننده‌ای، خواستار قانونمندی‌ها، ترتیبات فضایی نوین و رهیافت‌های نوین برنامه‌ریزی در شهرها در آغاز سده بیست و یکم میلادی بوده و پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه به به‌کارگیری رهیافت‌های مناسب برنامه‌ریزی شهری و سازوکارهای مرتبط با آن وابسته است. چنین وابستگی، افزون بر آشکار کردن ناکارآمدی رهیافت‌های خطی برنامه‌ریزی شهری برای پایه‌گذاری توسعه دانش- پایه در شهرها، به چرخش برنامه‌ریزی شهری^{۱۱} به سوی شیوه‌های دانش- پایه برنامه‌ریزی در هماهنگی و سازگاری با چنین توسعه‌ای منجر شده است. پایه‌های نظری مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه، در این مقاله، با هدف تولید چارچوب انگاشتی تعریف، تحلیل، و برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه، برای به‌کارگیری در شهر تهران- به صورتی که در نمودار عناصر و روابط مؤثر در تولید

8. Stanford Science Park
9. Silicon Valley

۱۰. در دوره دانش، دانش تبدیل به سرمایه شده و دانش، آموزش، و سرمایه ذهنی به سایر زمینه‌هایی، که سرمایه نامیده شده‌اند (چون سرمایه اقتصادی، و سرمایه اجتماعی)، و عوامل اصلی تولید (یعنی نیروی کار، زمین، و سرمایه) افزوده شده است. سرمایه دانش شهرها یکی از عوامل اصلی و پایدار قابلیت رقابت و رفاه شهرها و منبع اولیه سرمایه ذهنی و انسانی شده است و مزیت پایدار دوره دانش استفاده کارآمد از دانش در توسعه اقتصادی و اجتماعی است. ۱۱. برنامه‌ریزی نیز تحت تأثیر نیروهای تغییر، یعنی برتری دانش و پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در دوره دانش، تغییرات محتوایی را تجربه کرده است.

این چارچوب با تمرکز بر چارچوب و اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، در «ت ۲» نشان داده شده-گردآوری و پردازش شده است.

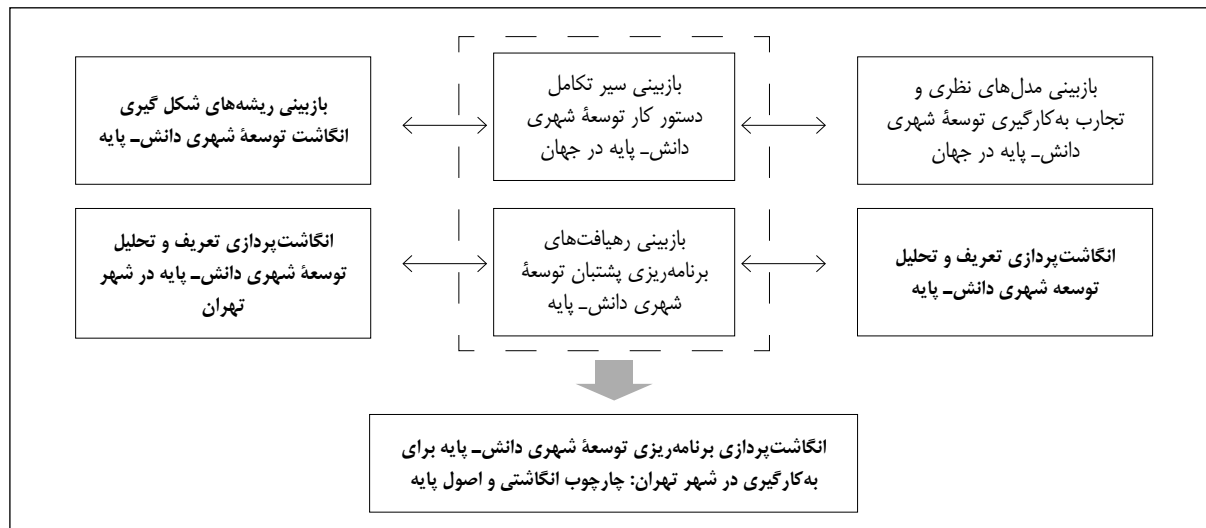
۱.۲ ماهیت و میان کنش دو انگاشت مرتبط با «توسعه شهری دانش-پایه» و «شهر دانش-پایه»

توسعه شهری دانش-پایه دگرگونی انقلابی^{۱۲} توسعه شهری است که تکیه‌اش بر دانش است و دستاوردهایی دارد چون: نخست) تبدیل منابع دانش به توسعه محلی، دوم) ایجاد تعادلی پویا میان همه عناصر مشترک ارزشی در یک جامعه، و سوم) توسعه همکارانه همه بخش‌های اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-محیطی، اقتصادی، و سازمانی-نهادی^{۱۳}. این دستاوردها را با استفاده کارآمد از دانش^{۱۴} موجود و مدیریت دانش (شامل تولید دانش، نگهداشت دانش، به اشتراک گذاری دانش و به کارگیری آن)، با یک سازوکار یکپارچه‌کننده برنامه‌ریزی فضایی، هدف قرار می‌دهد، که در نتیجه رفاه اقتصادی، توسعه‌ای متوازن، یکپارچه، و پایدار را، برای شهرها در دوره دانش، به

12. revolutionary transformation
 سازمانی-نهادی (institutional-organisational)، تفاوت گذاشتن میان معنا و تعریف این دو اصطلاح لازم است، هرچند در مواردی این تفاوت نادیده انگاشته شده است. نهاد (institution) الگوهای رفتاری تکرارشونده‌ای تعریف شده است که رفتار مجموعه‌ای از افراد را در یک جامعه تنظیم می‌کند. یک سازمان (organisation) تمامیتی کنترل‌شدنی است و این در حالی است که نهاد خودکنترل و خودنگه‌دارنده است. در طول زمان سازمان به نهاد تبدیل می‌شود. در این مقاله هر دو اصطلاح در کنار هم مصرف شده‌است تا ابهام پیش‌گفته پیش نیاید.
 ۱۴. استفاده کارآمد از دانش یعنی دانش در زیرسیستم‌های اصلی شهر ایجاد و به کار گرفته شود یا با استفاده از دانش همه زیرسیستم‌های شهر، در راستای هدف توسعه شهری دانش-پایه بهبود یابد.
 ۱۵. نک: محمودپور، ۱۳۹۴، چارچوب انگاشتی برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه در تهران.

ت ۲. مسیر تولید چارچوب انگاشتی پیشنهادی برای به‌کارگیری در تعریف، تحلیل، و برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران، مأخذ: نویسندگان، برای استفاده در این مقاله.

ارمغان می‌آورد^{۱۵}. در این شکل توسعه بر نقش دانش (از نظر تولید، تبادل، و به‌کارگیری دانش) در رفاه اقتصادی، برابری اجتماعی، افزایش پایداری، و دولت‌مداری خوب^{۱۶} جوامع در فرایند توسعه شهری تأکید می‌شود^{۱۷}. بر پایه این تعریف جامع، توسعه شهری دانش-پایه انگاشتی است که توسعه انسانی و پایداری اجتماعی و محیطی را در دوره دانش مطرح می‌کند و به شهروندان فرصت تولید و تبادل دانش و نوآوری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری را می‌دهد. عاملان اصلی تولید دانش در این انگاشت کارکنان دانش، صنایع دانش (شامل نهادهای پژوهش و توسعه^{۱۸}، و مؤسسات آموزش عالی)، و عموم مردم هستند. این انگاشت در برنامه‌ریزی شهری، در پاسخ به تغییرات محیط شهری در آغاز سده بیست و یکم، گونه‌ای از برنامه‌ریزی را هدایت می‌کند که پویا، راهبردی، پایدار، سازش‌پذیر، مشارکتی، و دانش-پایه است. نمود فضایی توسعه شهری دانش-پایه را برخی از صاحب‌نظران، شهر دانش-پایه دانسته‌اند و بر این باورند که توسعه شهری دانش-پایه انگاشتی برای کمک به هدایت دگرگونی شهرهای موجود به سوی شهرهای دانش-پایه است^{۱۹}، با توجه به اینکه ایجاد شهر دانش-پایه، که



۱۶. «دولت‌مداری خوب» (که از اصطلاح حکمروایی خوب good governance نیز در متون فارسی استفاده شده است) یک انگاشت، با تعاریف متفاوتی از دیدگاه‌های گوناگون است. از نظر بانک جهانی (World Bank) و بانک‌های بین‌المللی، جنبه‌های اقتصادی و از نظر نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل (United Nations) بر دولت‌مداری دموکراتیک و حقوق بشر تأکید شده است. «دولت‌مداری» در برخی از منابع اطلاعاتی به چگونگی انجام وظایف نهادهای بخش عمومی و مدیریت منابع عمومی تعریف شده است (نک):

R. Gisselquist, *What Does "Good Governance" Mean?*.
17. T. Yigitcanlar & K. Velibeyoglu, "Knowledge-based Urban Development: The Local Economic Development Path of Brisbane", p. 196; Yigitcanlar, "Knowledge-based Urban Development Redefined: From Theory to Practice Knowledge-based Development of Cities", p. 390.
18. research and development (R&D) institutions
19. Yigitcanlar, "Making Space and Place for the Knowledge Economy: Knowledge Development of Australian Cities", p. 1772.

رفاه روانی و اجتماعی- فرهنگی ساکنان شهر تأمین شود^{۱۶}.
دوم. بُعد شهری- محیطی: این بُعد به توسعه محیط‌های طبیعی و نیز ساخته‌شده مربوط است و هدف آن با نیازهای انسانی (شامل نه فقط نیازهای کنونی، بلکه نیازهای نسل‌های آینده نیز) را در عین نگهداشت محیط است و تلقیات مرتبط با سیستم‌های طبیعی را به چالش‌های اجتماعی فراروی انسان پیوند می‌زند^{۱۷}. این گونه است که توسعه شهری دانش- پایه، نیازمند «محیط کالبدی» است که در آن ارتباطات شبکه‌ای و فضایی قوی میان مجموعه‌های دانش یا محوطه‌های دانش^{۱۸} (یعنی محیطی که تبادل اندیشه‌ها و امکان تبدیل این اندیشه‌ها را به تولیدات، خدمات و راه‌حل‌های نوآورانه تسهیل می‌کند) موجود باشد تا بتواند اثرات سرریز دانش را- که به استقرار و گسترش مناطق خلاق شهری کمک و از ارتباطات و کار شبکه‌ای میان این مجموعه‌ها پشتیبانی می‌کند- افزایش دهد. چنین محوطه‌هایی نقش مهمی را در شکل‌گیری فضایی دیگر ابعاد توسعه شهری دانش- پایه بازی می‌کنند^{۱۹}.

سوم. بُعد اقتصادی: در این بُعد هدف توسعه دانش- پایه در شهرها، شکل‌دهی اقتصاد دانش است که به معنای استفاده از دانش برای ایجاد منفعت اقتصادی^{۲۰} است^{۲۱}. این گونه است که، برای توسعه اقتصادی، به چند نوع دانش شامل دانش فنی، برای نوآوری خدمات و تولیدات، دانش بازار برای درک تغییر اختیارات مصرف‌کننده، دانش مالی برای سنجش درون‌داد و برون‌داد تولید، و دانش انسانی (به شکل مهارت‌ها و خلاقیت انسان)، نیاز است. از این رو، توسعه شهری دانش- پایه نیازمند «محیط اقتصادی» است که در آن یک راهبرد قوی توسعه اقتصادی، به منظور تدوین دانش فنی، دانش بازار، دانش مالی، و دانش انسانی موجود باشد. این محیط اقتصادی باید بتواند توسعه اقتصادی در سطح محلی را به گونه‌ای هدایت کند که با اقتصاد جهانی قابل‌رقابت و یکپارچه شدن باشد^{۲۲}.
چهارم. بُعد سازمانی- نهادی: در این بُعد توسعه شهری دانش- پایه،

عوامل محسوس و نامحسوس فراوانی در آن نقش دارند، یک فرایند ساده و شتابنده نیست، دامنه‌ای از تعریف‌ها و تفسیرهای انتزاعی تا تعریف‌های عملیاتی از شهر دانش، با نمود فضایی از توسعه شهری دانش- پایه، با تأکید بر جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شکل‌دهنده آن، انجام شده است. این تعریف‌ها در این مقاله، در سه دسته، دسته‌بندی شده‌اند: نخست) تعریف‌هایی که بر حضور فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیشرفت‌های فنی در شهر دانش- پایه تأکید دارند، دوم) تعریف‌هایی که بر تولید، گسترش، و به‌کارگیری دانش و فعالیت‌های دانش در شهر دانش- پایه به منزله نیروی محرکه اصلی توسعه (به‌ویژه توسعه اقتصادی) تأکید دارند، و سوم) تعریف‌هایی که بر استفاده از دانش برای توسعه یکپارچه و متوازن اقتصادی، اجتماعی، محیطی، و سازمانی- نهادی در شهر دانش- پایه تأکید دارند^{۲۳}.

۲.۲. ابعاد توسعه شهری دانش- پایه

توسعه شهری دانش- پایه که متوازن کردن و ایجاد ارزش در ابعاد گوناگون توسعه (شامل توسعه کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، و سازمانی- نهادی) را در شهرها، با استفاده از دانش و در زمینه دانش هدف قرار می‌دهد، دارای چهار بُعد اصلی زیر است:
نخست. بُعد اجتماعی- فرهنگی: در این بُعد از توسعه دانش- پایه در شهرها، پیشرفت به سوی ایجاد جامعه دانش هدف است که در آن تولید، توزیع، انتشار، استفاده، و یکپارچگی دانش و اطلاعات یک فعالیت معنادار اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی به‌شمار می‌رود. از این رو، توسعه شهری دانش- پایه نیازمند یک «محیط اجتماعی» است که در آن یک راهبرد مؤثر آموزش و ایجاد مهارت برای افزایش مهارت‌ها و دانش شهروندان یا ابزاری برای توسعه اجتماعی و انسانی وجود دارد. این محیط اجتماعی باید کیفیت بالای زندگی را با ارائه تمهیداتی چون خدمات و تسهیلات ضروری، سرمایه‌گذاری در ایجاد سیستم‌های سرمایه انسانی، فکری، و اجتماعی، ایجاد زمینه خلاقیت برای افراد، و تضمین

هدف، هماهنگ کردن ابعاد توسعه و گرد هم آوردن همه عوامل سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری، همراه با منابع کلیدی لازم برای سازمان‌دهی و تسهیل فعالیت‌های مبتنی بر دانش در برنامه‌ریزی راهبردی شهر دانش- پایه است. از این رو، توسعه شهری دانش- پایه را نیازمند یک بدنه سازمانی- نهادی شفاف، دموکراتیک و مبتنی بر چشم‌انداز مشخص، دارای توان سازماندهی راهبردی قوی، و نیز توان راهبری و مداخله پیوسته مراجع دولتی برای پایه‌گذاری چنین توسعه‌ای دانسته‌اند که نه فقط نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی بلندمدت، بلکه نیازمند منابع لازم برای اثربخش کردن تصمیم‌های سیاست‌گذاری است.^{۲۸}

۳.۲. نظریه‌های پشتیبان توسعه شهری دانش- پایه
انگاشت توسعه شهری دانش- پایه به تعدادی نظریه‌های پشتیبان، شامل نظریه رابطه‌ای^{۲۹}، نظریه رشد نوین^{۳۰}، نظریه‌های سرمایه اجتماعی^{۳۱}، نظریه سرمایه انسانی^{۳۲}، نظریه شبکه عاملی^{۳۳}، با

تأکید بر روابط سازمانی- نهادی^{۳۴} متکی است. این نظریه‌ها- که برای تبیین جنبه‌های مختلف پاسخ به تغییرات جهانی تلاش می‌کنند- پایه‌های نظری انگاشت توسعه شهری دانش- پایه را شکل می‌دهند^{۳۵}. هدف و پشتوانه نظریه‌های پشتیبان انگاشت توسعه شهری دانش- پایه در «ت ۳» به نمایش درآمده‌اند.

۲.۴. ارتباط میان انگاشت توسعه شهری دانش- پایه و نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری

انگاشت توسعه شهری دانش- پایه نویدی بر پایان دوگانگی‌هایی است که تجربه تدوین نظریه برنامه‌ریزی شهری در سده بیستم با آن روبه‌رو بوده است^{۳۶}. در این دوران نظریه برنامه‌ریزی شهری همواره مواجه با دوگانگی‌هایی بوده که می‌توان آنها را چنین به‌شمار آورد: نخست) تلقی برنامه‌ریزی به منزله روشی علمی، با تأکید بر روند کار برنامه‌ریزی، در برابر تأکید بر ویژگی‌های شهری در چارچوب نظریه‌های محتوایی برنامه‌ریزی، و دوم) توجه به اقدامات محض کالبدی در برابر توجه به فرایندهای فضایی یا چندبعدی برنامه‌ریزی (شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، سازمانی و جز آن). این دوگانگی‌ها به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، موجب شد تا برنامه‌ریزان شهری (هم افراد دانشگاهی و هم افراد حرفه‌ای یا کارشناسان برنامه‌ریز) در پی نظریه‌ای یکپارچه برای برنامه‌ریزی شهری باشند که، ضمن رفع این دوگانگی‌ها، آن توانایی را داشته باشند که عمل برنامه‌ریزی شهری متکی بر آن شکل گیرد و پایه‌گذاری شود. در دوره دانش، مذاکره معناداری میان نظریه شهری و تجربه شهری امکان‌پذیر شده است که دلیل آن را می‌توان به عوامل بیرونی دنیای دانش شهری از یک سو و توسعه درونی دانش در دامنه وسیعی از علوم اجتماعی و انسانی از سوی دیگر، مربوط دانست. در زمینه عامل بیرونی، مهم‌ترین تغییر مربوط به جهانی شدن بوده است: یعنی پدیده ورود به دوران پساصنعتی یا آنچه دوران «پست فوردیسم»^{۳۷} نامیده شده است. افزون بر آن، در پاسخ به کاستی‌های نظریه‌های موجود، ابعاد

مخاطب	عنوان نظریه	ارایه‌کننده نظریه	زمینه کار نظریه	تأکید نظریه بر:
مردم و بازیگران اجتماعی	نظریه سرمایه انسانی اجتماعی	G. Becker; <i>Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis, with Special Reference to Education</i> ; R. Florida, <i>The Rise of the Creative Class</i> .	تلقی افراد به عنوان نیروی محرکه اصلی توسعه	توسعه انسان- سو
اقتصاد و اشتغال	نظریه رشد نوین	Romer, "Increasing Returns and Long Run Growth".	تلقی نقش کلیدی دانش و فناوری در پیشبرد بهره‌وری و رشد اقتصادی	نوآوری و خوشه‌بندی برای افزایش توان رقابتی
برنامه‌ریزی و توسعه شهری	نظریه رابطه‌ای	Graham & Healey, "Relational Concepts of Space and Place: Issues for Planning Theory and Practice".	توجه به روابط چندسطحی و پیچیده و جریان‌های جامعه جهانی اقتصاد دانش	چالش‌های توسعه‌ای و محیطی
نهادهای مدیریت جوامع	نظریه شبکه عاملی	Callon, "Techno-economic Networks and Irreversibility, Sociology of Monsters?"	پرداختن به روابط سازمانی- نهادی عوامل درگیر و دست‌اندرکار در فرایندهای توسعه	هدایت، سازمان‌دهی راهبردی نهادها و سازمان‌ها

and Knowledge-based Development", p. 109; Yigitcanlar, "Knowledge-based Urban Development Redefined: From Theory to Practice Knowledge-based Development of Cities", p. 393; idem, "A Comparative Knowledgebased Urban Development Analysis: Vancouver, Melbourne and Manchester vs. Boston", p. 115.

۲۲. محیط مورد نیاز چنین توسعه‌ای باید کیفیت مکان و یک محیط شهری حساس و پایدار به لحاظ زیست محیطی را داشته باشد.

23. knowledge precincts
24. Yigitcanlar, et al, "Knowledge-based Strategic Planning: Harnessing (in) Tangible Assets of City-regions", p. 67; Yigitcanlar, "Knowledge-based Urban Development Redefined: From Theory to Practice Knowledge-based Development of Cities", p. 392; idem, "A Comparative Knowledgebased Urban Development Analysis: Vancouver, Melbourne and Manchester vs. Boston", p. 115.

۲۵. منفعت اقتصادی (economic benefit)، به‌ویژه از نظر کسب‌وکار و خدمات مبتنی بر فناوری، افزون بر آموزش و پژوهش و توسعه.

و نیز نظم فضایی- اجتماعی پایدار را برای شهرها داشته باشد- و در واقع به ماهیت و کارکرد سازوکار برنامه‌ریزی شهری، به‌شدت وابسته شده است. در این شرایط است که رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی شهری توان رویارویی با پیچیدگی شهری برآمده از این دستور کار نوین را ندارد و از این رو است که در دستور کار توسعه شهری دانش- پایه خواسته‌های نوینی از سیستم برنامه‌ریزی مطرح شده و نیازمند به‌کارگیری رهیافت‌های نوین و مناسب‌سازی‌شده برنامه‌ریزی شده است. در پژوهش پایه این مقاله، از در برابر هم قرار دادن خواسته‌های توسعه شهری دانش- پایه که حاصل سنتز (یا هم‌گذاری) پژوهش‌های موجود در این زمینه است، و رهیافت‌های برنامه‌ریزی شهری پاسخ‌گو به این خواسته‌ها، «چارچوب و اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه» استخراج شده است: یعنی اصول و معیارهایی که، در چارچوب برنامه‌ریزی شهری، به پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه کمک و شرایط زمینه‌ای پایه‌گذاری آن را مهیا کند.

۳.۱. خواسته‌های توسعه شهری دانش- پایه

از سیستم برنامه‌ریزی شهری: دستور کار

چهارگانه توسعه شهری دانش- پایه

دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌هایی که سیستم شهری در نتیجه توسعه شهری دانش- پایه می‌یابد، آن‌را با پیامدهایی روبه‌رو کرده است که مهم‌ترین آنها این موارد هستند: الف) دانش- پایه شدن فرایندهای تولید، ب) اهمیت یافتن دوباره مکان، پ) اهمیت یافتن خلاقیت سیستم برنامه‌ریزی شهری، و ت) مجموعه‌ای از رابطه‌ای بودن‌ها (شامل رابطه‌ای بودن در زمینه‌های کارکردی، فضایی، جغرافیایی، زمانی، و ساختاری).^{۳۹} در نتیجه، این دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌ها را نیازمند نگاهی نوین، رابطه‌ای، و غیرخطی به زمان، فضا، و مکان دانسته‌اند.^{۴۰} پاسخ به پیچیدگی‌ها و رابطه‌ای بودن روابط سیستم شهری، در نتیجه شرایط محیطی، اجتماعی- اقتصادی و سیاسی پیوسته در حال دگرگونی در دوره

انسانی توسعه اهمیت یافته و در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری وارد شده است و چالش‌های جدید زیست‌محیطی و اجتماعی، موجب آگاهی برنامه‌ریزان شهری، از نیاز به تعادلی مناسب میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی رشد شهری، شده است. به این ترتیب است که توسعه دانش- پایه به صورت صریح به پایداری و توسعه پایدار مرتبط شده است.^{۳۸} با تأکید بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در شهرها، توسعه دانش- پایه بهترین پایه برای دستیابی به پایداری و توسعه پایدار، به‌شمار آمده است و به این ترتیب، توسعه شهری دانش- پایه حلقه اتصال خود را با «نظریه برنامه‌ریزی» یافته است، زیرا در دوره دانش قرار است که، نه فقط از ظرفیت منابع دانش برای توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی استفاده شود، بلکه پویایی‌های دانش خود فرایندهای سازش‌پذیرتر دولت‌مداری^{۴۱} را امکان‌پذیر می‌کند که این امر به دستیابی به اهداف توسعه شهری دانش- پایه کمک خواهد کرد.

۳.۲. چارچوب انگاشتی و اصول پایه

برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه

پس از پذیرش دستور کار توسعه شهری دانش- پایه، مهم‌ترین موضوع چگونگی استفاده از سازوکارهای برنامه‌ریزی شهری برای پایه‌گذاری چنین توسعه‌ای است. شکل‌گیری شهرهای دانش- پایه نخستین، به نیروهای بازار جهانی- بدون استفاده از سازوکار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای که به چالش‌ها و فرصت‌های شهرهای دانش- پایه یا واکنش نشان نداده، یا به‌آهستگی واکنش نشان‌دهنده- وابسته بوده است. توسعه شهری دانش- پایه یا تغییر شکل شهرها به شهرهای دانش- پایه، به منزله شکل نوین توسعه شهری در سده بیست و یکم میلادی، از یک سو، به به‌کارگیری رهیافت‌های مناسب برنامه‌ریزی و سازوکارهای مرتبط با آنها، و از دیگر سو، به دستور کار توسعه شهری دانش- پایه- که قرار است ظرفیت عرضه رفاه اقتصادی

دانش و در چارچوب توسعه شهری دانش- پایه، خواسته‌های نوینی را از سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی در سطح شهری و فراشهری تقاضا می‌کند که در چارچوب نگاه غیرخطی به برنامه‌ریزی شهری قرار دارد. این خواسته‌های چهارگانه در «ت ۴» نشان داده و در ادامه تعریف شده‌اند.

۳.۱.۱. ۱. خواسته نخست: شفافیت ابزارهای قانونی

خواسته نخست شفافیت ابزارهای قانونی یا پذیرش انگاشت توسعه شهری دانش- پایه در محیط سازمانی- نهادی و قانونی برنامه‌ریزی است و این که محیط سازمانی- نهادی و سازوکار حقوقی و فرایندهای قانون‌گذاری^{۴۲} نیاز به تغییر در تفکر و عمل برنامه‌ریزی شهری را درک کند و بپذیرد. این به معنای آن است که نهادهای برنامه‌ریزی بخش عمومی، هماهنگ و یکپارچه شدن سیستم و سازوکار برنامه‌ریزی را با تغییرات محیط دانش- پایه نوین (شامل تغییرات پایه اقتصادی، پایه اجتماعی، و پایه دانش در شهرها)، بپذیرند و کوشش کنند که توسعه شهری دانش- پایه بخشی از دستور کار و مصوبه قانونی و رسمی نهادهای برنامه‌ریزی شود^{۴۳}. پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه نیازمند ابزارهای قانونی و مقررات رسمی برای هماهنگ و یکپارچه کردن ابعاد توسعه شهری دانش- پایه و تبدیل آن به بخشی از دستور کار رسمی نهادهای برنامه‌ریزی عمومی، شامل نهادهای برنامه‌ریزی شهری، است^{۴۵}.

۳.۱.۲. خواسته دوم: رویارویی با پیچیدگی توسعه فضایی
خواسته دوم، رویارویی با پیچیدگی توسعه فضایی، توسط ایجاد شبکه سیاست‌گذاری فضایی یکپارچه برای هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری شهری، است. توسعه شهری دانش- پایه، توسعه‌های چندبُعدی است که در آن منابع، افراد، سازمان‌ها، و نهادهای گوناگونی درگیر هستند که عمل و میان‌کنشی در مقیاس‌های فضایی و زمانی چندگانه دارند. در اثر چنین چندگانگی است که ماهیت توسعه فضایی، الگوهای توسعه فضایی، روابط فضایی، و فرایندهایی که این سیستم در پی دخالت در آن‌ها است، پیچیده‌تر می‌شود^{۴۶} و عدم قطعیت فرایندهای فضایی، به دلیل پیچیدگی بین- وابستگی‌های توسعه دانش- پایه^{۴۷} افزایش می‌یابد^{۴۸}. در سیاست‌های بخشی، نه فقط به جنبه ویژه‌ای از توسعه شهری دانش- پایه توجه می‌شود، بلکه این گونه سیاست‌ها- که تک‌بُعدی، تک‌انتظامی، تک‌مقصوده^{۴۹} و ناهماهنگ هستند- نمی‌توانند به خوبی در خدمت توسعه شهری دانش- پایه قرار گیرند. در قلمرو فعالیت برنامه‌ریزی، برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه، نیاز است که برنامه‌ریزان از سنت برنامه‌ریزی با تمرکز بر کیفیت فضا درگذرند و همراه با تحلیل گران و سیاست‌گذارانی از زمینه‌های دیگر سیاست‌گذاری بخشی (چون سیاست‌های مرتبط با اقتصاد، آموزش، و بهداشت و درمان)- که پیرامون یک کانون توجه دیگر سازمان یافته است- رویارو شوند و در نتیجه شبکه‌ای از «سیاست‌گذاری فضایی یکپارچه شهری» را شکل دهند^{۵۰}.

۳.۱.۳. خواسته سوم: مدیریت یکپارچه و همکارانه

خواسته سوم، مدیریت یکپارچه و چندگانه دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در روابط پیچیده سازمانی- نهادی یا مدیریت همکارانه است. توسعه شهری دانش- پایه روابط پیچیده قدرت میان دست‌اندرکاران بخش عمومی (شامل همه نهادهای بخش عمومی یک جامعه)، بخش خصوصی (شامل همه عناصر بخش خصوصی چون توسعه‌دهندگان، شرکت‌های کسب‌وکار، دانشگاه‌های خصوصی)،

گونه/ جنبه	خواسته‌های توسعه شهری دانش- پایه از سیستم برنامه‌ریزی شهری: دستور کار برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه
حقوقی	خواسته نخست) شفافیت ابزارهای قانونی: پذیرش انگاشت توسعه شهری دانش- پایه در محیط نهادی و قانونی برنامه‌ریزی
روند کاری	خواسته دوم) رویارویی با پیچیدگی توسعه فضایی: ایجاد شبکه سیاست‌گذاری فضایی یکپارچه خواسته سوم) مدیریت یکپارچه و چندگانه یا مدیریت همکارانه ^{۴۱} روابط پیچیده سازمانی- نهادی
محتوایی	خواسته چهارم) رویارویی با افزایش نیاز به دانش: به‌کارگیری مدیریت دانش در برنامه‌ریزی شهری

→ Knowledge-based Development of Cities", p. 392; idem, "A Comparative Knowledgebased Urban Development Analysis: Vancouver, Melbourne and Manchester vs. Boston", p. 115.

28. idem, "Knowledge-based Urban Development Redefined: From Theory to Practice Knowledge-based Development of Cities", *ibid*; idem, "Making Space and Place for the Knowledge Economy: Knowledge Development of Australian Cities", p. 177.

29. Relational Theory

۳۰. نظریه رشد نوین (New Growth Theory) که بر توان رشد اقتصاد با افزایش دانش (در برابر نیروی کار یا سرمایه) تأکید دارد (نک: Cortright, *New Growth Theory, Technology and Learning: A Practitioners' Guide*, p. 2-6).

۳۱. نظریه‌های سرمایه اجتماعی (Social Capital Theory) اشاره به نهادها، روابط (کمتز نهادینه شده)، و هنجارهایی در اجتماع دارد که کیفیت و کمیت میان‌کنش‌های اجتماعی جامعه را شکل می‌دهند (نک: Corbisiero, "Social Capital: A Helpful Tool-concept within Social Sustainability Dimention", p. 32). نظریه سرمایه انسانی (Capital Theory) به دانش، ←

مختلف دانش گستره دست‌اندرکاران در برنامه‌ریزی فضایی در سطوح شهری و فراشهری. بیشتر دانش مورد استفاده دانش و اطلاعات، صریح، رسمی، و فنی هستند، در حالی که گردآوری و مدیریت دانش ضمنی و محلی^{۵۸} بخش مهمی از دانش مورد نیاز برنامه‌ریزی فضایی را شکل می‌دهد^{۵۹}. دستیابی به گونه‌های مختلف دانش و استفاده از این گونه‌ها (شامل دانش صریح، ضمنی، و محلی) در زمینه پیچیده شهر و ماهیت لمس‌ناشدنی دانش در شهر در عرصه برنامه‌ریزی فضایی دشوار است و نیازمند تعریف دانش، عاملان دانش، و چگونگی دسترسی به دانش و درنهایت مدیریت دانش دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری است^{۶۱}.

۲.۳. رهیافت‌های برنامه‌ریزی شهری پشتیبان و پاسخ‌گو به دستور کار توسعه شهری دانش - پایه

در رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی شهری که دورنمای کالبدی دارد و نمی‌تواند با نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی، سازمانی، و جز آن برخورد کند، اهداف از پیش تعیین شده‌اند و با مشکلات سیستم مورد برنامه‌ریزی ارتباط لازم را برقرار نمی‌کنند، ضعف فنی دارند و میدان کار برنامه‌ریزی محدود است^{۶۲}. این رهیافت‌ها توان رویارویی با عدم قطعیت و پیچیدگی دستور کار توسعه شهری دانش - پایه را ندارند. دستور کار توسعه شهری دانش - پایه نیازمند نگاه نوین، رابطه‌ای، و غیرخطی به زمان، فضا، و مکان است. یکی از راه‌های رویارویی با رابطه‌ای بودن را استفاده کارآمد از دانش دانسته‌اند^{۶۳}. رهیافت‌های برنامه‌ریزی شهری پشتیبان و پاسخ‌گو به دستور کار توسعه شهری دانش - پایه و نگاهی رابطه‌ای و غیرخطی به سیستم شهری، شامل رهیافت برنامه‌ریزی فضایی راهبردی^{۶۴}، رهیافت برنامه‌ریزی دانش - پایه^{۶۵}، و رهیافت برنامه‌ریزی رابطه‌ای^{۶۶} است. این سه دسته رهیافت پشتیبان و پاسخ‌گو به دستور کار توسعه شهری دانش - پایه در ادامه معرفی شده‌اند:

سایر بخش‌ها (شامل انجمن‌های صنفی)، اجتماعات محلی، و روابط پیچیده درون آن‌ها و میان آن‌ها را در بر می‌گیرد. چنین ساختار سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های چندگانه‌ای منجر به پدید آمدن عرصه‌های پیچیده و پویای دولت‌مداری^{۵۱} (یعنی شبکه‌هایی از عوامل هم‌بسته) و میان‌کنش‌هایی با جوهر پیچیده، می‌شوند. این دست‌اندرکاران خواسته‌ها، اهداف، منافع، منابع، و دانش متفاوتی را در اختیار دارند. همگرایی اهداف، خواسته‌ها، و منافع آن‌ها و ایجاد همکاری مؤثر میان آن‌ها دشوار است. پایه‌گذاری توسعه شهری دانش - پایه عرصه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را به عمل جمعی، مبتنی بر همیاری و همکاری میان دست‌اندرکاران مختلف و چندگانه، رهنمون می‌کند^{۵۲}. توسعه شهری دانش - پایه مستلزم هدایت و یکپارچه شدن فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، سیاسی، و اداری - که در بیشتر موارد مجزا تلقی می‌شوند - هستند. این امر نیازمند ایجاد روابط و کار همکارانه، حفظ اعتماد^{۵۳} و اطمینان میان همه دست‌اندرکاران مختلف است^{۵۴}. از این رو، شناخت و یافتن شیوه‌ای مؤثر از میان گزینه‌های مختلف ایجاد همکاری^{۵۵} و همچنین در نظر گرفتن تعهد به درگیر شدن همه دست‌اندرکاران و مدیریت منافع آن‌ها در پایه‌گذاری توسعه شهری دانش - پایه اهمیت دارد^{۵۶، ۵۷}.

۳.۱.۴. خواسته چهارم: به‌کارگیری مدیریت دانش در برنامه‌ریزی شهری

خواسته چهارم، رویارویی با افزایش نیاز به دانش توسط به‌کارگیری مدیریت دانش در برنامه‌ریزی شهری است. در دوره دانش پیچیدگی شهری افزایش یافته، نیاز به دانش در این زمینه پیچیدگی همواره فزاینده بوده، و در نتیجه نیاز به شیوه و رهیافتی در برنامه‌ریزی شهری است که توان رویارویی با چنین پیچیدگی‌ها را داشته باشد. توسعه شهری دانش - پایه با توجه به ماهیت فضایی آن (یعنی داشتن ابعادی چون اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، و سازمانی - نهادی) خود نیازمند گونه‌های مختلف دانش در زمینه برنامه‌ریزی فضایی است: یعنی نیاز به گونه‌های

→ مهارت‌ها، و شایستگی‌های افراد اشاره می‌کند که به‌رهوری‌شان را افزایش می‌دهد (نک: R. W. Caves, *Encyclopedia of the City*).

۳۳. نظریه شبکه عاملی (Actor Network Theory) در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. این نظریه یک چارچوب انگاشتی، برای کاوش فرایندهای جمعی اجتماعی و فنی است. نظریه شبکه عاملی توصیف فرهنگی (ساخت‌باوری اجتماعی) و توصیف طبیعی (واقع‌باوری) از محصول علمی را قبول ندارد، بلکه بر این باور است که علم فرایند مهندسی ناهمگون است که در آن وظیفه اجتماعی، فنی، انگاشتی، و زمینه‌ای یا هم درآمیخته‌اند (نک: Cressman, *Brief Overview of Actor-Network Theory: Punctualization, Heterogeneous Engineering & Translation*).

۳۴. روابط سازمانی- نهادی (organisational and institutional relations) به روابط میان قواعد و روند کارهای قانونی، ارتباط‌های میان قواعد و روند کارهای قانونی، ساختارهای سازمانی، و ارزش‌ها اشاره دارد. توسعه سازمانی- نهادی بخشی جدانشدنی از برنامه‌ریزی شهری است که مجموعه‌ای از سیاست‌ها، نقش‌ها، مسئولیت‌ها، و فرایندها را برای مدیریت بهتر شهرها در بر می‌گیرد و سازمان‌ها و جامعه را برای دستیابی به اهدافشان هدایت می‌کند.

نخست. برنامه‌ریزی فضایی راهبردی^{۶۷}: این رهیافت برنامه‌ریزی شهری نه فقط برای اداره‌کنندگان شهر در رویارویی با ناپوستگی، رابطه‌ای بودن، نیازها، تنش‌ها، و دوگانگی‌های موجود در سیستم شهری در دوره دانش سازوکار مناسبی دارد، بلکه هماهنگی ابعاد چهارگانه توسعه شهری دانش- پایه در آن پذیرفته شده است^{۶۸}.
دوم. برنامه‌ریزی رابطه‌ای: این رهیافت برنامه‌ریزی شهری، در تضاد با ابزارهای قانونی سازش‌ناپذیر و ایستا در رهیافت‌های برنامه‌ریزی سنتی، یک شیوه برنامه‌ریزی تاب‌آور^{۶۹} و پویا است که توان مدیریت پیچیدگی روابط دست‌اندرکاران، پرداختن به عدم قطعیت فزاینده روندهای فضایی، و یافتن راه‌حلی را برای رویارویی با بین-وابستگی‌های توسعه دانش- پایه دارد^{۷۰}.
سوم. برنامه‌ریزی دانش-پایه: این رهیافت برنامه‌ریزی شهری، با به‌کارگیری و استفاده کارآمد از دانش و فناوری و دارا بودن زیرساخت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و یا سیستم‌های پشتیبان برنامه‌ریزی، در چارچوب فرایند مدیریت دانش در فرایند برنامه‌ریزی شهری، و نیز با به‌کارگیری محتوای خلاق و دانش- پایه یا دانش عملیاتی^{۷۱}، به استفاده بهینه از ظرفیت‌های توسعه‌ای منابع و دارایی‌های منحصربه‌فرد مکانی کمک می‌کند^{۷۲}.

۳.۲.۱. نقش برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری در توسعه شهری دانش- پایه

برنامه‌ریزی فضایی راهبردی نقش مهمی در پاسخ به دستور کار توسعه شهری دانش- پایه دارد و برای کنار هم قراردادن و یکپارچه کردن سیاست‌های شهری در توسعه و استفاده از فضا «برنامه‌ریزی کاربرد زمین سنتی» فراتر می‌رود^{۷۳}. برنامه‌ریزی فضایی شیوه‌ای کارآمد را برای یکپارچه کردن دستور کارها در سطوح متفاوت دولت‌مداری و نیز یکپارچه و هماهنگ کردن اهداف و اقدامات دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری ایجاد می‌کند و تأثیر مشترک همه دستور کارهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی و جز آن را بر فضا را در نظر می‌گیرد^{۷۴}. برنامه‌ریزی فضایی

شهری فراتر از تحلیل الگوهای فضایی فعالیت‌هایی است که در فضای دوتبعدی سازمان یافته‌اند، و در مقابل، خواستار توجه به اثرات متقابل پویایی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، اداری، و سیاسی است که درون و میان یک فضا تکامل می‌یابند^{۷۵}. تشخیص گستره واقعیت پیوسته دگرگون‌شونده الگوهای توسعه فضایی در توسعه شهری دانش- پایه و فرایندهایی که این دستور کار به دنبال دخالت در آن‌ها است، دلیل اصلی نیاز به تغییر رهیافت «برنامه‌ریزی شهری سنتی» و اختیار رهیافت «برنامه‌ریزی فضایی راهبردی» است. ویژگی‌های اصلی برنامه‌ریزی فضایی، که آن را مناسب پاسخ به دستور کار توسعه شهری دانش- پایه و پشتیبانی از آن کرده است، شامل این موارد است: نخست) ایجاد همگرایی و هماهنگی میان سیاست‌های بخشی مختلف (قلمروهای سیاست‌گذاری مختلف) در مورد موضوع، یعنی هماهنگی افقی میان چارچوب‌های سیاستی بخش‌های درگیر^{۷۶}، دوم) ایجاد انسجام و هماهنگی در سیستم‌های دولت‌مداری (در سطوح ملی، منطقه‌ای، و شهری) در مورد موضوع، یعنی هماهنگی عمودی میان سطوح چندگانه (سطوح ملی، منطقه‌ای، و شهری) سیاست‌گذاری^{۷۷}، و سوم) هماهنگ کردن دامنه گسترده دست‌اندرکاران و ایجاد ظرفیت مشترک در مورد موضوع، به معنی هماهنگی میان سیاست‌گذاری شهری و سیاست‌گذاری بخشی^{۷۸}.

۳.۲.۲. نقش برنامه‌ریزی رابطه‌ای در توسعه شهری دانش- پایه

نظریه رابطه‌ای^{۷۹}، هم‌راستا و همخوان با عملکرد چندلایه‌ای و پیچیده جریان اقتصاد جهانی دانش و جامعه شبکه‌ای نوین است. گراهام و هیلی بر این باورند که به‌کارگیری خلاقانه نظریه رابطه‌ای، در چارچوب تفکر و عمل برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، می‌تواند ابزاری مؤثر برای پیشبرد نوآوری و به‌کارگیری دانش عملی برای توسعه باشد. تفکر رابطه‌ای^{۸۰} که روابط پیچیده اقتصاد دانش در زمینه‌های واقعی را توجیه می‌کند،

35. Yigitcanlar, "A Comparative Knowledgebased Urban Development Analysis: Vancouver, Melbourne and Manchester vs. Boston", pp. 113-116.

36. R.V. Knight, "Knowledge-based Development: Policy and Planning Implications for Cities", p. 226

۳۷. پست‌فوردیسم (post-Fordism) به گونه‌ای از سیستم اقتصادی اشاره دارد که در آن تأکید بر تولید خدمات پیشرفته است و فناوری اطلاعات نقشی تعیین‌کننده در تولید خدمات پیشرفته دارد. پست‌فوردیسم دگرشدگی سازمانی منتج از تجدید ساختار سیستم سرمایه‌داری و گذار از دوره صنعتی به دوره اطلاعات و گذار از تولید انبوه به تولید انعطاف‌پذیر بعد از بحران دهه ۱۹۷۰ است.

۳۸. بر پایه این نظریه: Knight, *ibid*, p. 236.

۳۹. نمونه‌های گونه‌های رابطه‌ای بودن‌ها در زیر معرفی شده است: (نخست) رابطه‌ای بودن‌های کارکردی (محتوای رابطه‌ای بودن‌ها): پرداختن به موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، کالبدی، محیطی، و جز آن به صورت یکپارچه، دوم) رابطه‌ای بودن‌های فضایی (سطوح مکانی): در برگرفتن سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی، و جهانی، سوم) رابطه‌ای بودن‌های جغرافیایی: تحرک فضایی دانش، تولید، کارکنان دانش، و جز آن که با گسترش فناوری‌های قابل حمل امکان‌پذیر شده است، چهارم) <

منابع و دارایی‌های منحصربه‌فرد مکانی با به‌کارگیری محتوای خلاق و دانش- پایه (یعنی دانش عملیاتی) اشاره دارد^{۸۸}، دو دیدگاه فکری موجود و مرتبط با نقش دانش در برنامه‌ریزی شهری را یکپارچه و بر هر دو جنبه تأکید می‌کند. در دیدگاه نخست فعالیت‌های برنامه‌ریزی شهری و فراشهری از اطلاعات و دانش موجود برای افزایش درک از دنیای پیرامون استفاده می‌کنند. نتیجه چنین درکی توانایی بیشتر دست‌اندرکاران چندگانه در دستیابی به اهداف تنظیم‌شده برای جامعه است. در این دیدگاه دانش درون‌داد فرایند برنامه‌ریزی در نظر گرفته می‌شود^{۸۹}. در دیدگاه دوم، برنامه‌ریزی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را، که به تولید اطلاعات منجر می‌شود، در نظر می‌گیرد تا بتواند اطلاعات و دانش تولیدشده برای پشتیبانی تصمیم‌های گرفته‌شده تصمیم‌سازان را تحلیل کند. در این دیدگاه دانش برون‌داد فرایند برنامه‌ریزی در نظر گرفته می‌شود^{۹۰}. برنامه‌ریزی دانش- پایه، که مناسب پاسخ به دستور کار توسعه شهری دانش- پایه و پشتیبانی از آن است، دو ویژگی اصلی دارد: نخست) مدیریت دانش یا تصمیم‌سازی دانش- پایه با تولید، ترکیب، و به‌اشتراک‌گذاری گونه‌های مختلف دانش دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شهری، و دوم) بهبود عملکرد سیستم برنامه‌ریزی شهری با استفاده کارآمد از دانش در فرایندهای تصمیم‌گیری، یعنی مدیریت با دانش برای ساختن تصمیم‌های آگاهانه و دانش- پایه در شهر. در دیدگاه دوم دو وجه از رابطه میان دانش و تصمیم به صورت زیر قابل ردیابی است:

الف. مدیریت دانش و تصمیم‌سازی دانش- پایه در برنامه‌ریزی شهری: ماهیت چندگانه و چندسطحی دانش مورد نیاز برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه نیاز به تولید و تبادل دانش یکپارچه فضایی شهری، استفاده نوآورانه از منابع دانش، و دستیابی به برهم‌کنشی میان گونه‌ها و سطوح مختلف دانش توجیه می‌کند^{۹۱}. این در حالی است که به تولید، ترکیب، و به‌اشتراک‌گذاری دانش دست‌اندرکاران چندگانه در توسعه شهری دانش- پایه و یکپارچه

چارچوبی سازگار با رابطه‌ای بودن^{۸۱} پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و توسعه دانش- پایه است و می‌تواند برای برنامه‌ریزی و پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه استفاده شود و امکان برنامه‌ریزی کارآمدتر را در زمینه تأثیرات پیچیده نوین توسعه شهری دانش- پایه- که در حال و آینده نواحی شهری نقش مهمی ایفا می‌کنند- فراهم کند. این بدنه از تفکر، درک و ساخت‌بندی اجتماعی^{۸۲} پویایی‌های توسعه‌ای نوین را توسط یک تمرکز دانش- پایه فراهم می‌کند، که بازتابنده دنیایی است که به طور فزاینده‌ای به صورت غیرخطی و میان و درون مرزهای همپوش عمل می‌کند^{۸۳}. برنامه‌ریزی رابطه‌ای که آن را مناسب پاسخ به دستور کار توسعه شهری دانش- پایه و پشتیبانی از آن دانسته‌اند، چهار ویژگی اصلی دارد: نخست) گذار از شیوه‌های دولت- پایه و سلسله‌مراتبی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شهری منطبق بر منطق دستوری^{۸۴} به سوی شیوه‌های شبکه- پایه دولت‌مداری سلسله‌مراتبی منطبق بر منطق مذاکره^{۸۵}، دوم) شناسایی چندگانگی شبکه‌های رابطه‌ای که بر فضای (چندبُعدی) یک شهر اثر می‌گذارد^{۸۶}، سوم) مدیریت میان‌کنش دست‌اندرکاران چندگانه و تبدیل این میان‌کنش‌ها به گفت‌وگو برای سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری، و چهارم) فرایندهای یادگیری و گسترش دانش عملیاتی در مورد شهر که اشاره به دستیابی، تفسیر، و هماهنگ کردن دانش در فرایندهای برنامه‌ریزی و زمینه‌های سازمانی- نهادی دارد. این دانش هر سه نوع دانش، یعنی دانش صریح، دانش ضمنی، و دانش محلی موجود در تجارب و کاربست‌ها را در بر می‌گیرد^{۸۷}.

۳.۲.۳. نقش برنامه‌ریزی دانش- پایه در توسعه

شهری دانش- پایه

برنامه‌ریزی دانش- پایه، که بر به‌کارگیری و استفاده کارآمد از دانش و فناوری و فرایندهای مدیریت دانش در فرایند برنامه‌ریزی شهری برای استفاده بهینه از توان‌های توسعه‌ای

۳.۳. جمع‌بندی: استنتاج اصول و معیارهای

برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه

در این مقاله، «خواسته‌های توسعه شهری دانش- پایه، که دستور کار توسعه شهری دانش- پایه به‌شمار می‌رود، از سیستم برنامه‌ریزی شهری» و «رهیافت‌های برنامه‌ریزی شهری پشتیبان و پاسخ‌گو به این خواسته‌ها»، برابر هم نهاده شده (ت ۵) و بر پایه آن، اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه استخراج شده است (ت ۶).

۴. به‌کارگیری فرایند پیشنهادی تحلیل

سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه

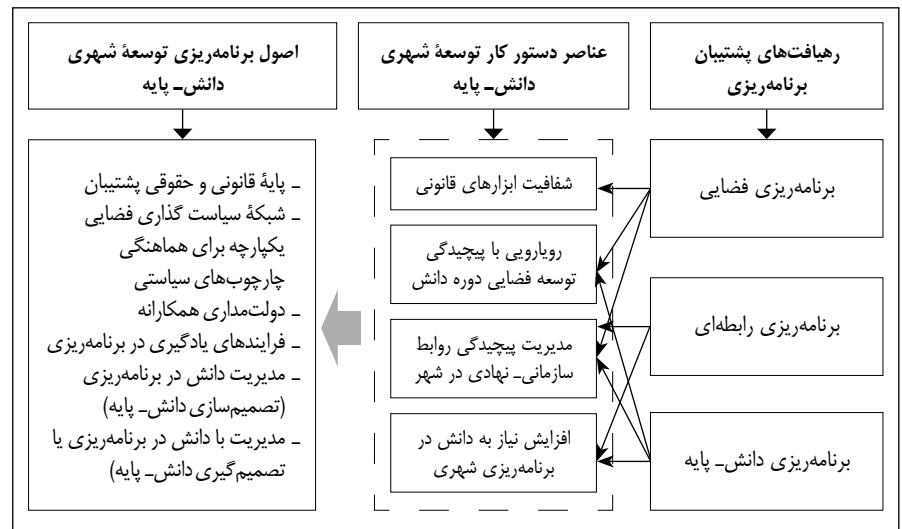
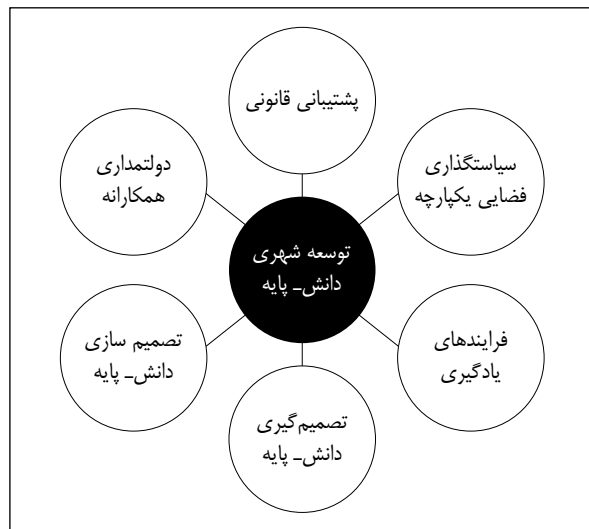
فرایند پیشنهادی این مقاله برای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهری شهر تهران برآمده از مسیر نخستی است که در این مقاله پیموده شده است. چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه که عوامل زمینه‌ای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه معرفی شده‌اند، متشکل از اصول و معیارهایی است که توان رویارویی با پیچیدگی‌های پدیده مورد برنامه‌ریزی

کردن دانش آن‌ها نیاز است. دانش و اطلاعات مربوط به موضوع توسعه شهری دانش- پایه، توسط دامنه گسترده‌ای از دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و یا سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری تولید می‌شود و این سیستم و سازوکار، در تلاش خود در شکل‌دهی به درکی گسترده از موضوع مورد برنامه‌ریزی، این دانش را ترکیب و تفسیر می‌کند^{۹۲ ۹۳}.

ب. مدیریت با دانش در تصمیم‌گیری دانش- پایه مرتبط با برنامه‌ریزی شهری: اهداف سازمانی- نهادی متضاد ساختارهای قدرت و تا حدودی فرهنگ تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری غیرعقلانی^{۹۴} در محیط نهادی بخش عمومی، موضوع مدیریت با دانش، یا تصمیم‌گیری دانش- پایه را در زمینه توسعه شهری دانش- پایه برجسته می‌کند^{۹۵}. بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه توسط شبکه‌ای از دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی یا سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری انجام می‌شود^{۹۶}.

→ رابطه‌ای بودن‌های ساختاری: ساختارها، افراد، سازمان‌ها، نهادها هستند که توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به صورت تسهیل‌کننده یا بازدارنده توسعه عمل می‌کنند. این ساختارها و عوامل در زمینه توسعه شهری دانش- پایه افزایش یافته‌اند.

ت ۵ (راست). نمودار نشان‌دهنده ارتباط چهار دسته خواسته توسعه شهری دانش- پایه از سیستم برنامه‌ریزی، مأخذ: نویسندگان، برای استفاده در این مقاله. ت ۶ (چپ). نمودار نشان‌دهنده اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه، مأخذ: نویسندگان، برای استفاده در این مقاله.



40. P. Hall & K. Pain, *The Polycentric Metropolis: Learning from Mega-city Regions in Europe, and Sterling*, p. 114; M.J. Wilson & K.E. Corey, "The ALERT Model: A Planning-Practice Process for Knowledge-Based Urban and Regional Development", p. 83.

۴۱. مدیریت همکارانه (collaborative management) به استقرار چارچوب‌های همکاری و مدیریت روابط بسیار پیچیده بین عوامل چندگانه تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار و توجه به روابط قدرت آشکار و پنهان و در نظر گرفتن کشمکش‌های ناشی از منافع متناقض این عوامل چندگانه در سیستم‌های شهری و فراشهری اشاره دارد.

42. statutory, organisational and institutional environments

۴۳. همه دست‌اندرکاران یا عوامل درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری (یا برنامه‌ریزی و مدیریت شهری) در شهرها باید تغییرات مهم شهرها و مناطق را در نتیجه فناوری‌های اطلاعاتی و تولید دانش، که با این فناوری‌ها تسهیل شده است، تصدیق و پشتیبانی کنند.

44. Wilson & Corey, *ibid*, p. 82.

45. W. Van Winden, et al., "Creating Knowledge Locations in Cities: Innovation and Integration Challenges", p. 18.

مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در تولید و اجرای برنامه در شهر تهران، و گام پنجم) تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی مربوط به مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در تولید و اجرای برنامه در شهر تهران.

۴.۱. مرحله نخست. معرفی روش تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از دیدگاه پاسخ‌گویی به اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه

در این مقاله یک سیستم برنامه‌ریزی شهری متشکل از سه زیرسیستم: نخست) زیرسیستم فضایی-فعالیتی، دوم) زیرسیستم متشکل از تصمیم‌ها و سیاست‌های مرتبط با تغییر و توسعه شهری، و سوم) زیرسیستم متشکل از دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا درگیر در تولید و اجرای برنامه و روابط میان آنها. ابزار تصمیم‌گیری، راهنمای تصمیم‌ها یا برنامه‌های شهری در نظر گرفته شده است. با توجه به ماهیت و هدف مقاله، تحلیل سیستم برنامه‌ریزی در شهر تهران بر دو زیرسیستم تصمیم‌سازی، یعنی فعالیت تهیه برنامه‌های شهری، و تصمیم‌گیری، یعنی فعالیت‌های تصویب و اجرای برنامه‌های شهری، متمرکز شده است. برای تحلیل مورد نظر نیاز به استفاده از معیارهایی- که بر پایه تعریف و انتخاب مجموعه‌ای از معیارهای مناسب از اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه منتج شده، و در بند ۳.۳. تشریح شد- است.

۴.۱.۱. گام نخست. معرفی روش پژوهش برای

تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از دیدگاه

برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه

روش پژوهش مورد استفاده برای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی در شهر تهران، در چارچوب رهیافت پژوهش کیفی، استفاده از روش‌های تحلیل متن^{۹۷}، و تحلیل محتوای کیفی^{۹۸} است

(یعنی سیستم شهری) را در دستور کار توسعه شهری دانش-پایه دارا باشد. این چارچوب ابتدا در نمودار عناصر و روابط مؤثر در تولید چارچوب انگاشتی پیشنهادی برای به‌کارگیری در تعریف، تحلیل، و برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران در «ت ۲» و سپس در «مدل انگاشتی پیشنهادی» «ت ۵» نشان داده شده است. با تأکید بر نقش چارچوب و اصول پایه برنامه‌ریزی پیشنهادی در پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه و با هدف یافتن کاستی‌های سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه، فرایندی، متشکل از دو مرحله و گام‌ها و زیرگام‌های هر مرحله برای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، در ادامه معرفی شده است:

مرحله نخست. در این مرحله روش تحلیل سیستم برنامه‌ریزی برای مشکل‌یابی برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، شامل دو گام، معرفی می‌شود، در گام نخست به معرفی روش پژوهش برای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران و گام دوم به معرفی معیارهای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران پرداخته می‌شود.

مرحله دوم. این مرحله بر به‌کارگیری روش تحلیل سیستم برنامه‌ریزی برای مشکل‌یابی برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، شامل پنج گام، اشاره دارد: گام نخست) تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی مربوط به پشتیبانی قانونی از توسعه شهری دانش-پایه، گام دوم) تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی مربوط به هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری مرتبط با توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران، گام سوم) تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی روابط همکارانه میان دست‌اندرکاران یا عاملان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مرتبط با توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران، گام چهارم) تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی مربوط به

۴۶. پیچیده‌تر شدن، به دلیل انجام سفرهای دورتر و بیشتر؛ وابستگی کمتر فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری به مکان‌هایی خاص، پیشرفت‌های فناوری‌های ارتباطات و رسانه که نتیجه آن تغییر جغرافیای روابط (سرمایه‌داری) اجتماعی و اقتصادی است.

۴۷. بین-وابستگی‌های توسعه دانش-پایه (interdependencies of knowledge-based development) اشاره به رابطه‌ای بودن‌های کارکردهای برنامه‌ریزی فضایی دارد.

48. Van Winden, et al, *ibid*, p. 19.
49. single-purpose
50. P. Healey, "Network Complexity and the Imaginative Power of Strategic Spatial Planning", p. 147.

۵۱. مدل جمعی توسط عوامل مختلف خصوصی، عمومی / دولتی در زمینه کالاهای عمومی، منابع فضایی مربوطه، ارزش‌های فرهنگی و ابتکارات عملی است. به طور کلی آنچه از انگاشت دولت‌مداری دریافت می‌شود شیوه‌ای است از «تصمیم‌گیری» که فقط از الگوهای بالا به پایین تبعیت نمی‌کند، بلکه شامل فرایندهای افقی و از پایین به بالا نیز است.

52. Van Winden, et al, *ibid*, p. 20.

۵۳. این‌گونه اعتماد جامع و متفاوت از اعتماد کورکورانه در سیستم دولت‌مداری و راهبری مدیریتی است که در یک زمینه سلسله‌مراتبی سازمانی- نهادی وجود دارد.

که، به منظور ردیابی و یافتن مشکلات و کاستی‌های سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، در پایه‌گذاری توسعه شهری دانش-پایه استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحلیل متن، یا اطلاعات عینی، از اسناد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهر تهران منتخ شده است و اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحلیل محتوای کیفی، یا اطلاعات ذهنی، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مراجع برنامه‌ریزی شهر تهران گردآوری شده است.

زیرگام نخست. معرفی روش تحلیل متن اسناد سیاستی و برنامه‌های شهری تهران: روش تحلیل متن در پی یافتن بیانیه‌های محتوایی است و در پژوهش روشی است برای توصیف هدفمند و سیستماتیک محتوای متون یا پژوهش‌های موجود^{۹۹}. از میان اسناد سیاستی و برنامه‌های شهری مرتبط با موضوع و دستور کار این مقاله، برنامه‌های جامع (راهبردی-ساختاری) شهر تهران در سال ۱۳۸۶ و سند چشم‌انداز تهران در سال ۱۴۰۴ و لایحه برنامه پنج‌ساله شهرداری تهران در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ تحلیل شده است. به‌کارگیری روش تحلیل متن بر پایه معیارهایی انجام شده که در پژوهش پایه این مقاله پیشنهاد و در «ت ۷» معرفی شده است.

زیرگام دوم. معرفی روش تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با مراجع برنامه‌ریزی شهر تهران: تحلیل محتوای کیفی گونه‌ای روش پژوهش برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی^{۱۰۰} است که با فرایندهای دسته‌بندی‌شده سیستماتیک کُندبندی و در طراحی الگوهای شناخته‌شده، انجام می‌گیرد. تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگر اجازه می‌دهد که ماهیت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ای ذهنی ولی با روشی علمی تفسیر کند. عینیت نتایج با یک فرایند کُندبندی سیستماتیک تضمین می‌شود^{۱۰۱}. این گونه از تحلیل بر استخراج مقوله‌ها از داده‌ها و شناسایی اهمیت درک معنای زمینه‌ای تأکید دارد که موضوع در آن تحلیل می‌شود^{۱۰۲}. برای تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مراجع

برنامه‌ریزی شهر تهران انجام شده و با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی از مسیر استنتاجی مصاحبه‌های انجام شده در پژوهش پایه این مقاله و در چارچوب معیارهایی که در پژوهش پایه این مقاله، پیشنهاد و در «ت ۷» معرفی شده، مورد پردازش و تحلیل قرار گرفته است. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته متشکل از چهار نفر از برنامه‌ریزان حرفه‌ای درگیر در تهیه برنامه‌های شهر تهران و ۱۲ نفر از مدیران معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری شهرداری تهران و چهار نفر از متخصصین دانشگاهی برنامه‌ریزی شهری بودند. در انتخاب مشارکت‌کنندگان بر سابقه انجام فعالیت‌های مرتبط با برنامه‌ریزی در شهر تهران تأکید شده است. معیار تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان برای انجام مصاحبه استفاده از انگاشت اشباع نظری^{۱۰۳} است، یعنی مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که فضای پرسش‌های پژوهش اشباع شد و پاسخ‌های افراد تکراری به نظر می‌رسید. در پژوهش پایه این مقاله با انجام ۲۰ مصاحبه اشباع نظری اتفاق افتاد.

۴. ۱. ۲. گام دوم. معرفی معیارهای تحلیل مشکل در

سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از دیدگاه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه

برای مشکل‌یابی و تحلیل مشکل در سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از دیدگاه برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه، بر پایه مطالعات انجام شده در پژوهش پایه این مقاله، مجموعه‌ای از معیارهای مناسب از اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه (که در بند ۳.۳ تشریح شد) با استفاده از روش سنتز (یا همگذاری) متون موجود یا چارچوب‌های نظری هدایت‌کننده تغییر و توسعه در شهر تهران، به صورتی که در «ت ۷» معرفی شده است، منتج و تعیین گردید.

54. J. Gibney, et. al, "Toward a New Strategic Leadership of Place for the Knowledge-based Economy", p. 10

۵۵. همکاری در شکل‌گیری اتحاد و هم‌رأیی مهم و مؤثر است و شبکه‌های اجتماعی شفافیت و دقت در مدیریت عمومی و همچنین در بخش خصوصی را تضمین می‌کنند.
۵۶. یک نمونه از راهبردهای مدیریت و همکاری چنددست‌اندرکار، مدل triple-helix model است. اساس این مدل اشتراک میان اجتماعات دولتی، آکادمیک، و صنعتی است که اهداف کلان متفاوت اجتماعات دست‌اندرکار را شناسایی و بر منفعت مشترک این سه گروه، برای عرضه ارزش برای جوامعی که در آن ساکن هستند، تأکید می‌کند. تأکید بر باز بودن و شفافیت، درگیری، مجموعه دست‌اندرکاران چندگانه و ایجاد هم‌رأیی در تولید و اجرای سیاست‌ها، از ویژگی‌های دولت‌مداری همکارانه است.

57. Van Winden, et al, ibid, p. 21.

۵۸. دانش صریح (explicit knowledge) دانشی کدگذاری شده به زبان رسمی و سیستماتیک است که در اسناد مکتوب تنظیم شده است. به‌آسانی می‌تواند به

ت.۷. ماتریس نشان‌دهنده خواسته‌ها، اصول، و معیارهای برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش-پایه مناسب شهر تهران، مأخذ: نویسندگان، برای استفاده در این مقاله.

معیارهای بود یانبود برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه یا مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌گیری*	اصول برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه	رهیافت پشتیبان	خواستۀ توسعه شهری دانش- پایه از سیستم برنامه‌ریزی
<p>- وجود ابزارهای قانونی و مقررات رسمی برای هماهنگ و یکپارچه کردن ابعاد توسعه شهری دانش- پایه</p> <p>- وجود نهادها و برنامه‌های رسمی برای هدایت توسعه شهری دانش- پایه</p>	پشتیبانی قانونی از توسعه شهری دانش- پایه		رویارویی با پیچیدگی توسعه فضایی در دوره دانش
<p>- هماهنگی افقی میان چارچوب‌های سیاستی بخش‌های درگیر در توسعه شهری دانش- پایه</p> <p>- هماهنگی عمودی میان سطوح چندگانه سیاست‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه (در سطوح ملی، منطقه‌ای، و شهری)</p> <p>- هماهنگی میان سیاست‌ها و سیاست‌گذاری شهری (فضایی) و سیاست‌ها و سیاست‌گذاری بخشی (نافضایی)</p>	سیاست‌گذاری فضایی یکپارچه: هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری شهری	برنامه‌ریزی فضایی	
<p>- همیاری و همکاری میان دست‌اندرکاران چندگانه درگیر در برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه</p> <p>- وجود روابط و کار همکارانه و حفظ اعتماد و اطمینان میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در توسعه شهری دانش- پایه</p> <p>- تعهد به درگیری همه دست‌اندرکاران یا عاملان در برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه</p>	روابط همکارانه	برنامه‌ریزی رابطه‌ای	مدیریت میان‌کنش دست‌اندرکاران چندگانه: مدیریت پیچیدگی روابط سازمانی- نهادی
<p>- تولید، سازمان‌دهی، تبادل، و استفاده نوآورانه از گونه‌های مختلف دانش محتوایی (شامل دانش صریح و ضمنی)</p>	استفاده کارآمد از دانش در فرایند تولید برنامه		
<p>- باور و تعهد به مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌گیری</p> <p>- میان‌کش دست‌اندرکاران چندگانه و تبدیل این میان‌کنش‌ها چه به گفت‌وگو و چه به گفت‌وشنود**</p> <p>- وجود منابعی از دانش و درک برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری</p>	استفاده کارآمد از دانش در تصمیم به تولید و اجرای برنامه	برنامه‌ریزی دانش- پایه	رویارویی با افزایش نیاز به دانش در برنامه‌ریزی
<p>* ردیابی دلایل مبتنی نبودن آن: دانش ناکارآمد، استفاده ناکارآمد از دانش، نبود/ ضعف پایه دانش قابل‌به‌کارگیری، نبود فرهنگ دانش.</p> <p>** گفت‌وگو (dialogue) قرار دارد و معانی این دو متفاوت است، گفت‌وگو در علوم انسانی و علوم اجتماعی راهی است برای تفکر که می‌تواند بیان شود، و اشاره به سیستمی از تفکر اندیشه‌ها، باورها، نگرش‌ها، و کاربست‌ها دارد که به صورت سیستماتیک عناصر یک موضوع مورد بحث را ساختار می‌دهد. گفت‌وشنود تبادل گفتاری و نوشتاری میان دو یا چند نفر است. تفاوت این دو این است که گفت و شنود درگیر شدن در بحث برای محاوره است ولی گفت‌وگو با سخنران‌ها و شنوندگان چندگانه، بحث، یا مذاکره‌ای است که در آخر همه افراد درگیر به یک تفاهم دست یابند.</p>			

→ شکل اطلاعات و دانش گزاره‌ای انتقال یابد و به اشتراک گذاشته شود. دانش ضمنی (tacit knowledge) ریشه در عمل و تجارب افراد افزون بر اندیشه‌ها، ارزش‌ها، و یا احساسات شخصی دارد و ابعاد شناختی را در بر می‌گیرد که شامل باورها، اندیشه‌ها، طرح‌ها، و مدل‌های روانی است و به‌آسانی قابل مشاهده و بیان نیست و بیان و برقراری ارتباط با آن دشوار است. دانش محلی (local knowledge) دانش روزانه مردم که در یک ناحیه زندگی می‌کنند، را در بر

ت ۸ ماتریس نشان‌دهنده پشتیبانی قانونی از توسعه شهری دانش- پایه در اسناد سیاستی و برنامه‌ریزی در شهر تهران، مأخذ: نویسندگان، برای استفاده در این مقاله.

زیرگام نخست. تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی از دیدگاه پشتیبانی قانونی از توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران: برای تحلیل دو عنصر از سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، یعنی راهنمای تصمیم‌های شهری (یا برنامه‌ها) و ابزارهای عمل (یا قوانین و مقررات شهری) در شهر تهران با به‌کارگیری دو دسته معیار از روش تحلیل متن استفاده و این سیستم مورد واکاوی قرار گرفت: نخست) وجود ابزارهای قانونی و مقررات رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه و دوم) وجود نهادهای رسمی و برنامه‌های عمل مشخص برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران. به این منظور، ابزارهای قانونی و برنامه‌های عمل مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران ابتدا ردیابی گردیدند و سپس از دیدگاه دو معیار بالا تحلیل شدند. برون‌داد این تحلیل در «ت ۸» نشان داده شده است. به مواد قانونی مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه در قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه در سطح ملی، به‌ویژه از برنامه چهارم توسعه به این سو و نیز برنامه ساختاری- راهبردی شهر تهران (۱۳۸۶)، توجه شد. با وجود این، به دلیل نبود نهادهای رسمی و برنامه‌های عمل مشخص در شهر تهران، توسعه شهری دانش- پایه، با کارایی یک دستور کار

قانونی مشخص، هیچ‌گاه ضمانت اجرایی نداشته است. دلیل چنین امری افزون بر ناکارآمدی اجرایی ابزارهای قانونی و برنامه‌های موجود برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه، همسو نبودن سیستم تصمیم‌سازی برای تولید برنامه‌های شهری و سیستم تصمیم‌گیری برای اجرای برنامه در شهر تهران در چارچوب اصول و معیارهای توسعه شهری دانش- پایه است.

زیرگام دوم. تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برای مشکل‌یابی از دیدگاه هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران: چارچوب‌ها و عواملن سیاست‌گذاری مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران، با به‌کارگیری معیارهای ردیابی هماهنگی افقی، عمودی، و راهبردی میان عاملان (یا بخش‌های) درگیر، با استفاده از روش‌های تحلیل متن اسناد برنامه‌ریزی و تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها، تحلیل شد. تحلیل هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری، با ردیابی مشکل نبود هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری در شهر تهران و با به‌کارگیری سه معیار با تحلیل اسناد برنامه‌ریزی و مصاحبه با مراجع برنامه‌ریزی انجام شد: نخست) ردیابی هماهنگی افقی میان چارچوب‌های سیاستی بخش‌های درگیر در توسعه شهری

اسناد شهری معیارها	قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه*	لایحه برنامه پنج‌ساله شهرداری تهران، ۱۳۸۸-۱۳۹۲	سند ملی توسعه استان تهران، ۱۳۸۳	برنامه مجموعه شهری تهران، ۱۳۸۲	سند چشم‌انداز شهر تهران، ۱۳۸۵-۱۴۰۴	برنامه جامع (ساختاری- راهبردی) شهر تهران، ۱۳۸۶	برنامه‌های تفصیلی مناطق ۲۲گانه شهر تهران، ۱۳۸۴-۱۳۸۶
وجود ابزارهای قانونی و مقررات رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	بودن ماده قانونی در زمینه توسعه دانش- پایه	نبود ماده قانونی در زمینه توسعه دانش- پایه	نبود مصوبه‌ای در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	نبود راهبردی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	بودن جهت‌گیری راهبردی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	بودن هدف و راهبرد در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	نبود برنامه‌های عملیاتی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه
وجود نهادهای رسمی و برنامه‌های عمل برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه	نبودن برنامه عمل و نهاد رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	بودن برنامه عمل در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	نبود برنامه عمل و نهاد رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	نبود برنامه عمل و نهاد رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	نبود برنامه عمل و نهاد رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	نبود برنامه عمل و نهاد رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه	نبود برنامه عمل و نهاد رسمی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه
* قانون برنامه پنج ساله اول توسعه (مصوب سال ۱۳۶۸)، قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه (مصوب سال ۱۳۷۳)، قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه (مصوب سال ۱۳۷۹)، قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه (مصوب سال ۱۳۸۳)، قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه (مصوب سال ۱۳۸۹)							



دانش- پایه، دوم) ردیابی هماهنگی عمودی میان سطوح چندگانه سیاست‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه (ملی، منطقه‌ای، و شهری)، و سوم) هماهنگی میان سیاست‌ها و سیاست‌گذاری فضایی شهر و سیاست‌ها و سیاست‌گذاری بخشی و نفضایی. برون‌داد این تحلیل چندین زمینه اصلی ناهماهنگی را برجسته می‌کند که در ادامه معرفی شده‌اند:

نخست. زمینه‌های اصلی مشکل هماهنگی بخشی چارچوب‌های سیاست‌گذاری در توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران: زمینه‌های اصلی ناهماهنگی افقی در چارچوب‌های سیاست‌گذاری بخش‌های درگیر در توسعه شهری دانش- پایه در ادامه به صورت فشرده معرفی شده است:

الف. نبود هماهنگی میان سیاست‌های بخشی و فضایی مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه: چندگانگی عاملان درگیر در توسعه شهری دانش- پایه بخشی و مبتنی بر مأموریت‌های بخشی بودن اهداف و تصمیم‌های آن‌ها، به‌همراه از بالا به پایین بودن ساختار تصمیم‌گیری (یعنی بی‌توجهی نهادهای بخشی سیاست‌گذاری به سیاست‌گذاری فضایی) و نبود اصولی برای سازمان‌دهی یکپارچه فضا در سیاست‌های بخشی، به نبود هماهنگی افقی میان عاملان درگیر در توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران انجامیده است. این به معنای بی‌توجهی به ظرفیت‌های فضایی شهر تهران در سیاست‌گذاری بخشی است.

ب. نبود هماهنگی درونی میان سیاست‌های بخشی مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه: در میان نهادهای بخشی درگیر در توسعه شهری دانش- پایه نیز هماهنگی افقی وجود ندارد، یعنی سازوکارهای ایجاد هماهنگی، چون کارگروه‌های مشترک برای تصمیم‌گیری در زمینه توسعه شهری دانش- پایه، میان این نهادها وجود ندارد، افزون بر آن درکی مشترک از توسعه شهری دانش- پایه وجود ندارد. چنین ناهماهنگی‌هایی منجر به فقدان آگاهی نهادها از تصمیم‌های دیگر نهادها و چندپارگی سیاست‌گذاری میان بخش‌های درگیر در زمینه موضوع مشترک توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران شده است.

پ. ناهماهنگی محتوایی میان نهادهای سیاست‌گذاری بخشی مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه: میان عاملان بخشی درگیر در توسعه شهری دانش- پایه، هماهنگی محتوایی وجود ندارد، یعنی نهادها از نظر به‌کارگیری پایه دانش و منابع مورد استفاده برای تصمیم‌گیری هماهنگی ندارند و هر سازمان یا نهادی از پایه دانش مربوط به خود- که در بسیاری از موارد با وجود اشتراک با پایه دانش دیگر سازمان‌ها و نهادها، زبان بیان متفاوت دارند- استفاده می‌کنند. این امر موجب تشدید زمینه بروز ناهماهنگی شده است.

دوم. زمینه‌های اصلی مشکل هماهنگی عمودی میان سطوح چندگانه سیاست‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران: زمینه‌های اصلی ناهماهنگی عمودی که هماهنگی قلمرویی^{۱۰۴} نیز نامیده می‌شود، در چارچوب‌های سیاست‌گذاری بخش‌های درگیر در توسعه شهری دانش- پایه مؤثر از سطوح ملی و منطقه‌ای بر سطح شهری، یعنی شهر تهران، در ادامه معرفی شده است:

الف. نبود هماهنگی میان سیاست‌های سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی در زمینه توسعه شهری دانش- پایه: این مشکل بر پایه این وضعیت در شهر تهران معرفی می‌شود که از یک سو تصمیم‌های شورای شهر تهران (تنها عامل سیاست‌گذار بخش عمومی که منتخب شهروندان این شهر است) فقط پس از تأیید فرمانداری شهر تهران قابلیت اجرا شدن را می‌یابند، اما سازوکاری برای هماهنگی تصمیم‌های فرمانداری شهر تهران و استانداری استان تهران (که از سازوکار برنامه‌ریزی در سطح ملی پیروی می‌کنند) و شهرداری شهر تهران در زمینه سیاست‌گذاری محلی در شهر تهران وجود ندارد. از سوی دیگر، در اسناد و برنامه‌های منطقه‌ای^{۱۰۵} به موضوع توسعه شهری دانش- پایه به صراحت توجه نشده است، و این در حالی است که به این موضوع در برنامه‌های ملی و محلی توجه شده است.

ب. نامشخص بودن مرز میان مسئولیت‌های قلمرویی- جغرافیایی و بخشی: دستور کار توسعه شهری دانش- پایه به‌خوبی میان بخش‌های دولتی به اشتراک گذاشته نشده و مرزهای میان مسئولیت‌های جغرافیایی و بخشی نامشخص است. چارچوب

→ می‌گیرد. دانش محلی نه فقط با مکان مرتبط است، بلکه همچنین به نقش تولیدکنندگان این دانش نیز مرتبط است. این گونه از دانش می‌تواند دانش زمینه‌ای و اجتماعی نیز تعریف شود. دانش محلی دانشی نیست که موجود باشد، بلکه به صورت پیوسته توسط اعضای اجتماع فرمول‌بندی، پردازش، و تولید می‌شود.

۵۹. یافتن جایگاهی برای دانش محلی در یک فرایند برنامه‌ریزی و نیز ابزارهای جمع‌آوری و راه‌اندازی دانش محلی دشوار است.

60. H. Rantanen, "Mapping and Managing Local Knowledge in Urban Planning", p. 3

61. F.J. Carrillo, et al, *Knowledge and the City: Concepts, Applications and Trends of Knowledge-based Urban Development*, p. 70.

۶۲. دانشپور، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری، ص ۱۴۸-۱۵۴.

63. Wilson & Corey, *ibid*, p. 86.

۶۴. برنامه‌ریزی فضایی راهبردی یک فرایند اجتماعی- فضایی دگرگون‌کننده و یکپارچه‌کننده در بخش عمومی است که با آن یک چشم‌انداز، اعمال یکپارچه‌شده، و ابزارهایی برای اجرا تدوین می‌شوند که آن چه یک مکان هست و آن چه ممکن است بشود را در چارچوبی مناسب و کارآمد قرار و شکل می‌دهد.

۶۵ رهیافت برنامه‌ریزی دانش-پایه (knowledge-based plan-ning approach)
 ۶۶ رهیافت برنامه‌ریزی رابطه‌ای (relational planning) (approach)
 ۶۷ رهیافت برنامه‌ریزی فضایی راهبردی (strategic spatial planning approach).

68. Yigitcanlar & Velibeyoglu, "Knowledge-based Strategic Planning: Harnessing (in) Tangible Assets of City-regions", p. 302.

۶۹ برنامه‌ریزی تاب‌آور (resilient planning) که بر آمادگی برنامه‌ریزی شهری در رویارویی با عدم قطعیت‌ها و موضوعات پیش‌بینی نشده در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، سازمانی، و فنی توسعه شهر تأکید می‌کند.

70. Wilson & Corey, *ibid*, p. 85.
 ۷۱. دانش عملیاتی (operational knowledge) دانش عملیاتی اشاره به دانش قابل به‌کارگیری در فرایند برنامه‌ریزی دارد.

72. Wilson & Corey, *ibid*, p. 87.
 73. PPS1, *Delivering Sustainable Development*, p. 2.

۷۴. یعنی فضا زمینه‌ای برای این ادعا فراهم می‌کند و تمرکز بر روی روابط فضایی قلمروها/ مکان‌ها اجازه روشی کارآمدتر برای یکپارچگی دستور کارهای متفاوت (محیطی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاستی) را، با توجه به اینکه این دستورها بر مکان‌ها تأثیر می‌گذارند، می‌دهد.

سیاست‌گذاری موجود و رایج اتصال لازم را میان بخش‌های دولتی و یا میان ارکان عمل قلمرویی در زمینه توسعه شهری دانش-پایه برقرار نکرده است.

سوم. زمینه‌های اصلی مشکل هماهنگی راهبردی میان سیاست‌گذاری شهری و سیاست‌گذاری بخشی در شهر تهران: زمینه‌های اصلی ناهماهنگی راهبردی در چارچوب‌های سیاست‌گذاری فضایی شهری و بخشی در شهر تهران در ادامه معرفی شده است:

الف. نبود هماهنگی میان نهادهای تولیدکننده و اجراکننده برنامه در شهر تهران: این مشکل بر پایه این وضعیت در شهر تهران معرفی می‌شود که هماهنگی راهبردی میان نهادهای تولیدکننده برنامه و اجرای برنامه وجود ندارد. فرایند تدوین برنامه‌های توسعه از بالا به پایین است، یعنی برنامه‌های توسعه وظایف بخش‌ها را (شامل بخش مربوط به تغییر و توسعه شهری) مشخص می‌کند که این امر به نادیده‌انگاشتن ظرفیت‌ها و توان‌ها و ناهماهنگی سلسله‌مراتبی و راهبردی میان برنامه‌های تولیدشده و اجرای برنامه‌ها انجامیده است.

ب. ناهماهنگی میان برنامه‌های بخشی و برنامه‌های فضایی شهری: نبود هماهنگی میان راهبردهای برنامه‌ریزی فضایی با راهبردهای بخشی نهادهای دارای مسئولیت در شهر تهران ردیابی شده است. چنین نهادهایی از یک سو، وظایف جداگانه‌ای را بر عهده دارند و از سوی دیگر، در حوزه خاصی قدرت دارند و به عمل می‌پردازند. یعنی رویارویی با مشکلات بخشی یا درون‌بخشی خود را بر پایه دستور کاری که تقسیم کار و برنامه‌های ملی برای آن‌ها تعیین کرده است، قرار داده‌اند و به سیاست‌گذاری و اجرای آن در شهر تهران می‌پردازند. این در حالی است که این نهادها به‌جز تهیه دستور کار بخشی یا درون‌بخشی، کوششی در هیچ زمینه دیگر نکرده و دل‌نگرانی دیگری در موارد مرتبط نداشته و در نتیجه همواره نه‌فقط میان سیاست‌های آن‌ها ناسازگاری و ناهماهنگی وجود دارد، بلکه

پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن سیاست‌ها بر یکدیگر و بر ساختار فضایی شهر تهران نیز نادیده گرفته شده است.

پ. ناهماهنگی میان سطوح مختلف سیاست‌گذاری درگیر در توسعه شهری دانش-پایه: سیاست‌گذاری در زمینه‌های اقتصادی، آموزشی، و فناوری اطلاعات فقط در سطح ملی و به‌صورت بخشی انجام می‌شود و نقش مراجع محلی در این‌گونه سیاست‌گذاری‌ها دیده نمی‌شود. این درحالی است که سیاست‌گذاری توسعه شهری در سطح شهری - کم‌وبیش - با دیدگاه فضایی انجام می‌شود.

۴.۱.۳. گام سوم. تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از دیدگاه روابط همکارانه میان دست‌اندرکاران توسعه شهری دانش-پایه

تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران برحسب روابط همکارانه میان دست‌اندرکاران توسعه شهری دانش-پایه، با به‌کارگیری معیارهای تعریف‌کننده روابط همکارانه و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها از مسیر استنتاجی (نک به بند ۱، ۴) انجام شده است. تحلیل روابط همکارانه میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بخشی و غیربخشی یا فضایی با ردیابی بود یا نبود روابط همکارانه در سیستم تصمیم‌گیری فضایی و بخشی شهر تهران واکاوی شد. برون‌داد این تحلیل نشان از دلایل بروز چنین مشکلی، یعنی نبود روابط همکارانه میان عاملان تصمیم‌گیری فضایی و بخشی، در چهار زمینه دارد: نخست) وجود ساختار تصمیم‌گیری متمرکز و سلسله‌مراتبی تصمیم‌گیری (هم بخشی و غیربخشی یا فضایی)، دوم) نبود تعهد و اطمینان در به‌اشتراک‌گذاری منابع و دانش میان بخش‌های درگیر در توسعه شهری دانش-پایه در شهر تهران، سوم) نبود سازوکار قانونی و الزام‌آور همکاری میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و برتری تصمیم‌های سازمانی- نهادی خود-

J. Friedmann, "Globalization and the Emerging Culture of Planning".

۷۶. چون سیاست‌های محیطی، سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های آموزشی / پژوهشی و توسعه و جز آن از نظر اهداف کلان، راهبردها، و جز آن / ایجاد پیوندهای افقی میان زمینه‌های سیاست‌گذاری اثرگذار بر یکدیگر (مثلاً پایه دانش و پایه اقتصاد).

۷۷. تغییر اداره عمومی: این شیوه نوین اداره کردن تا حدی منتج از نگرانی‌هایی برای کارآمدی بیشتر در تحقق برنامه‌های سیاستی، برای ارتباط و اتصال بیشتر به نگرانی‌ها و تقاضاهای شهروندان و گروه‌های درگیر سازمان یافته است.

Van Winden, et al, ibid, p. 20-25.

۷۹. که گراهام و هیلی در سال ۱۹۹۹ میلادی مطرح کردند (نک: Graham and Healey, 19 "Relational Concepts of Space and Place: Issues for Planning Theory and Practice", p. 627-628).

ت ۹. نمودار نشان‌دهنده عوامل دانش در فرایند تولید برنامه در شهر تهران، مأخذ: دانشپور و دیگران، «تدبیر چارچوب مدیریت دانش برای سیاست‌گذاری یکپارچه در کلان‌شهر تهران».

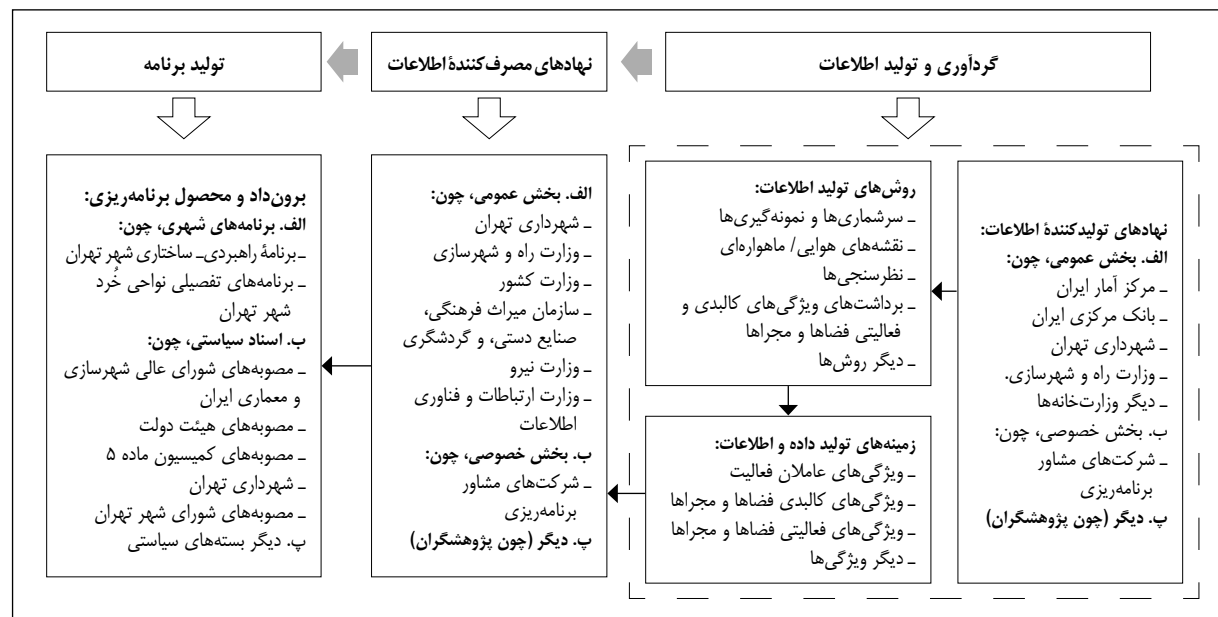
زیرگام نخست. شناسایی عوامل دانش در فرایند برنامه‌ریزی شهر تهران: در این زیرگام عوامل دانش که اشاره به نهادهای تولیدکننده و مصرف‌کننده اطلاعات دارند^{۷۶}، در فرایند برنامه‌ریزی شهر تهران شناسایی شدند. فرایند تولید برنامه و یا برنامه‌ریزی در شهر تهران را می‌توان در پیوستاری از تولید اطلاعات، مصرف اطلاعات، و تولید برنامه (به صورتی که در «ت ۹» تصویر شده) این‌گونه معرفی کرد: نهادهای تولید اطلاعات، اطلاعات مورد نیاز را گردآوری و پردازش می‌کنند و به تولید اسناد لازم می‌پردازند. اسناد تولیدشده در اختیار نهادهای مصرف‌کننده اطلاعات قرار می‌گیرد و اسناد و اطلاعات جدید تولید و در اختیار برنامه‌ریز و یا نهادهای تولید برنامه قرار می‌گیرد. چندگانگی و پیچیدگی ماهوی عوامل دانش در برنامه‌ریزی و روابط و ارتباطات متقابل آن‌ها نشان از پیچیدگی فرایند تولید برنامه و نیز فرایند بسیار پیچیده‌تر اجرای برنامه دارد.

زیرگام دوم. معرفی زمینه‌های اصلی مشکل به‌کارگیری مدیریت دانش در فرایند برنامه‌ریزی در شهر تهران: در این زیرگام،

ارجاع^{۷۶} بر تصمیم‌های مشترک و همکارانه، و چهارم) نبود سازوکارهای رسمی دستیابی به هم‌رأیی میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (هم بخشی و غیربخشی یا فضایی)، به دلیل اهداف سازمانی- نهادی و سطوح تصمیم‌گیری متفاوت و گاه متضاد.

۴.۱.۴. گام چهارم. تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از دیدگاه مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌سازی مربوط به تولید برنامه

در این گام از فرایند، سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از دیدگاه مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌سازی مربوط به تولید برنامه در این شهر با به‌کارگیری معیاری که نشان از تولید، سازمان‌دهی، تبادل، و استفاده نوآورانه از گونه‌های مختلف دانش (شامل دانش صریح، ضمنی، و محلی) در فرایند تولید برنامه دارد و با استفاده از روش‌های تحلیل متن اسناد برنامه‌ریزی و تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها، تحلیل و مشکل‌یابی شد.



۸۰. در این تفکر بر چهار موضوع به هم مرتبط برای عمل برنامه‌ریزی تأکید می‌شود: نخست) توجه به روابط و فرایندها به جای تمرکز بر اهداف و شکل‌ها (فرم‌ها)، دوم) تأکید بر معانی چندگانه فضا و زمان، سوم) نشان دادن مکان‌ها همچون لایه‌های چندگانه از منابع و دارایی‌ها، و چهارم) توجه به روابط میان لایه‌های مختلف سازمانی و شیوه‌های نوین دولتمداری.

81. relationality

۸۲. ساخت‌بندی اجتماعی (social constructing) در خصوص چیزها، گونه‌ها، و حقیقت‌ها نیست، بلکه در خصوص باورها است، یک پیامد از رویدادهای اجتماعی و به دنبال روشن کردن شیوه‌ای است که یک باور خاص توسط فشارهای اجتماعی شکل می‌گیرد.

83. Wilson & Corey, ibid, p. 90.

۸۴. منطق دستوری (command logic) پایه سلسله‌مراتبی، هماهنگی بالا-پایین دارد و تحت حمایت یک مرکز منفرد همچون حکومت است (نک: J.E. Van Wezemael, "Knowledge Creation in Urban and Knowledge Environment")

۸۵. منطق مذاکره (negotiation logic) در دولتمداری شهری برای پایه‌گذاری یک برنامه شهر یا یک راهبرد عمل جمعی هدایت شده است. ظهور دولتمداری افزایش پیچیدگی جامعه‌ای را منعکس می‌کند که از رشد افتراق کارکردی نظم‌های سازمانی- نهادی درون جامعه در حال جهانی شدن متأثر است. این افتراق کارکردی پایه سلسله‌مراتبی، هماهنگی بالا-پایین تحت <<

زمینه‌های اصلی مشکل به‌کارگیری مدیریت دانش در فرایند برنامه‌ریزی در شهر تهران شناسایی شد. مدیریت دانش اشاره به فرایند تولید، گسترش، سازمان‌دهی، تبادل، به‌اشتراک‌گذاری و استفاده یا به‌کارگیری دانش دارد. تولید، به‌اشتراک‌گذاری و به‌کارگیری گونه‌های مختلف دانش (شامل دانش صریح، ضمنی، و محلی) در فرایند تولید برنامه نیازمند شناسایی همه گونه‌های دانش، یکپارچه کردن کارآمد گونه‌های مختلف دانش برای مقاصد برنامه‌ریزی، و هماهنگی عوامل دانش و تدارک پایه دانش شهری در فرایند برنامه‌ریزی شهری است. بر پایه تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده، مشکل‌های شش‌گانه‌ای در خصوص تولید و گسترش دانش در فرایند تولید برنامه‌های شهر تهران (به‌ویژه در خصوص برنامه‌ریزی چندبُعدی توسعه شهری دانش- پایه) شناسایی گردید:

الف. دشواری به‌کارگیری گونه‌های مختلف دانش در سیستم برنامه‌ریزی: شناسایی دانش، به دلیل ماهیت لمس‌ناپذیر آن و دشواری تعریف آن به صورت مشخص، در فرایند برنامه‌ریزی دشوار است. این دشواری در زمینه شهری و به‌ویژه در خصوص موضوع توسعه شهری دانش- پایه پیچیده‌تر می‌شود، زیرا از یک سو، دانش مورد نیاز در برنامه‌ریزی گونه‌های مختلفی دارد که در فرایند برنامه‌ریزی شهر تهران از دانش صریح بیشتر استفاده می‌شود و گونه‌های دیگر دانش چون دانش ضمنی و دانش محلی (با اشاره به تجربه‌ها و دانش مردم) در فرایند تولید برنامه وارد نمی‌شود، و از سوی دیگر، سنج‌های برای اندازه‌گیری میزان و گونه دانش مورد نیاز در فرایندهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تعیین نشده است.

ب. یکپارچه کردن دانش موجود در سیستم برنامه‌ریزی: یکپارچه کردن گونه‌های مختلف دانش در اختیار عوامل مختلف نقش مهمی در به‌کارگیری دانش در فرایند تولید برنامه دارد. این مشکل بر پایه این وضعیت در شهر تهران معرفی می‌شود که دانش مورد نیاز در برنامه‌ریزی شهری بیشتر در سازمان‌ها یا نهادهای مختلف و به صورت بخشی تولید می‌شود. این اطلاعات

در سطوح تحلیلی متفاوت و برای مقاصد بخشی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط- که در برخی موارد مناسب و سازگار با سطح تحلیل مورد نظر برنامه‌ریزی شهری نیستند و هیچ‌گونه سازمان یا نهادی مسئولیت تولید دانش یکپارچه فضایی را برای مقاصد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری ندارد- تولید می‌شوند. این امر به‌کارگیری دانش در برنامه‌ریزی را با مشکل روبه‌رو می‌کند، زیرا از یک سو، گردآوری همه منابع دانش موجود و یکپارچه کردن کارآمد دانش و در نهایت به‌کارگیری آن در فرایند برنامه‌ریزی، در فرایند تولید برنامه‌های شهری در شهر تهران، یکپارچه نیست، و از سوی دیگر، سازوکاری برای یکپارچه و هماهنگ کردن دانش موجود تعریف نشده است.

پ. ناهماهنگی عوامل دانش در سیستم برنامه‌ریزی: شناسایی دانش مورد نیاز و سازمان‌ها یا نهادهایی که این دانش را در اختیار دارند یکی از پیچیدگی‌های فرایند تولید برنامه از دیدگاه تولید و به‌کارگیری دانش است. عوامل دانش در شهر تهران از چستی دانش تولیدشده در سایر سازمان‌ها یا نهادهای به‌اشتراک‌گذاری و تبادل اطلاعات، به دلیل نبود اطمینان و اعتماد میان آن سازمان‌ها و یا نهادهای تولیدکننده اطلاعات، آگاهی ندارند. همچنین، هریک از عوامل دانش، اطلاعات و داده‌ها را با ساختارهای داده‌ای متفاوت تولید می‌کنند که در برخی موارد برای سایر سازمان‌ها یا نهادهای قابل استفاده نیست. سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت شهر تهران نه‌فقط قادر نیست که دانش را از عوامل دانش مختلف دارای دانش در مورد توسعه شهری دریافت کند، بلکه سازوکاری نیز برای دریافت و یکپارچه کردن دانش عوامل مختلف ندارد تا بتواند دانش همه عوامل را یکپارچه کند و چون درون داد وارد فرایند برنامه‌ریزی کند. افزون بر آن، همکاری لازم میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تولید اطلاعات^{۱۰۸} برای اجتناب از دوباره‌کاری وجود ندارد.

ت. نبود سیستم دانش شهری یکپارچه، هماهنگ، و پویا برای استفاده بخش‌ها و عوامل مختلف در فرایند برنامه‌ریزی شهری:

۴.۱.۵. گام پنجم. تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران از نظر پاسخ‌گویی به مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌گیری در مورد اجرای برنامه

سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، از نظر پاسخ‌گویی به مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌گیری در مورد اجرای برنامه در شهر تهران، با به‌کارگیری دو معیار، با استفاده از روش‌های تحلیل متن اسناد برنامه‌ریزی و تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها و به منظور مشکل‌یابی فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا فرایند تهیه و اجرای برنامه‌های شهری: نخست) باور و تعهد به مدیریت دانش در فرایند تصمیم‌گیری شهر تهران و دوم) میان‌کنش دست‌اندرکاران چندگانه و تبدیل این میان‌کنش‌ها به گفت‌وگو و منابعی از دانش و درک برای تصمیم‌گیری تحلیل شد. نتایج تحلیل به ردیابی دو مشکل در زمینه به‌کارگیری مدیریت دانش، در فرایند اجرای برنامه‌های شهر تهران، انجامید:

الف. نبود سیستم مدیریت دانش- پایه در تصمیم‌گیری: سیستم مدیریت دانش- پایه، که تولید اطلاعات و دانش را در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شهری به صورتی هدف قرار می‌دهد که بتواند مزیت‌ها و ضررهای ناشی از اجرای هر گزینه را ارزش‌گذاری کند و در نتیجه بتواند تصمیم‌های آگاهانه‌تری بگیرند، در شهر تهران وجود ندارد. مهم‌ترین دلایل نبود چنین سیستمی را می‌توان در دو مورد بیان کرد: نخست) نبود سازوکارهای تبدیل اطلاعات به دانش مورد نیاز تصمیم‌گیری، و دوم) در اختیار نداشتن ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات کارآمد.

ب. استفاده از دانش شهودی^{۱۱۱} به جای دانش تحلیلی^{۱۱۲} در فرایند تصمیم‌گیری: فرایند تصمیم‌گیری در شهر تهران مبتنی بر دانش نیست و در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از دانش در گرفتن تصمیم‌های آگاهانه‌تر استفاده نمی‌شود، و تصمیم‌گیران در بیشتر موارد از دانش شهودی به جای دانش تحلیلی در تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌کنند. تولید و به‌کارگیری دانش فقط به صورت یک فعالیت جانبی در فعالیت

وجود سیستم‌های دانش شهری، که دارای یک پایگاه دانش به‌هنگام و قابل‌ارزیابی باشد، نقش مهمی در به‌کارگیری دانش معتبر^{۱۰۹} در فرایند تولید برنامه دارد. در شهر تهران افزون بر نبود یک پایه دانش یکپارچه، سازوکاری برای تبادل سیستماتیک اطلاعات و دانش، چه در میان عوامل مختلف دانش و چه عاملان برنامه‌ریزی شهری، مشخص نشده و در بسیاری از موارد داده‌ها و اطلاعات تولیدشده با نیازهای عاملان تولید و اجرای برنامه‌های شهری هماهنگ و منطبق نگردیده است.

ث. نبود سازوکارهای کارآمد برای اشتراک‌گذاری اطلاعات و دانش در سیستم برنامه‌ریزی: افزون بر نبود تعهد و باور بر به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات و دانش میان سازمان‌ها یا نهادها مختلف تولید دانش و برنامه‌ریزی در شهر تهران، زیرساخت‌های فنی کارآمد مورد نیاز برای به‌اشتراک‌گذاری دانش نیز موجود نیست. اعتماد و اطمینان، به منزله عامل زیرکار تسهیل فرایند به‌اشتراک‌گذاری، برآورده نمی‌شود و دستور کاری قانونی و الزام‌آور برای به‌اشتراک‌گذاری دانش و تعیین گونه و گستره دانش به‌اشتراک‌گذاری شده میان عاملان برنامه‌ریزی و اجرای برنامه و سهم هر نهاد در تولید دانش نیز مشخص نیست.

ج. باور نداشتن به ضرورت مدیریت دانش در فرایند برنامه‌ریزی: دانش موضوعی پیچیده و مبهم برای مدیریت است و بنا بر این نیاز به عناصری چند دارد. عناصر اصلی مدیریت دانش را نخست) پذیرش انگاشت مدیریت دانش، دوم) وجود مدلی برای مدیریت دانش، و سوم) وجود ابزارهای مورد نیاز، یعنی سیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات، شمرده‌اند^{۱۱۰}. مدیریت دانش در فرایند تولید و اجرای برنامه در شهر تهران، به رسمیت شناخته نشده، مدلی برای آن طراحی نشده، و از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات کارآمد نیز استفاده نشده است. افزون بر آن، در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، داده‌های خام به جای مدیریت دانش استفاده شده و می‌شود و بنا بر این می‌توان گفت که مدیریت دانش به صورت ضمنی و در کمترین میزان ممکن انجام می‌شود.

→ حمایت یک مرکز منفرد همچون حکومت و نهادهای (برنامه‌ریزی‌اش) را تضعیف می‌کند. سخن در مورد دولت‌مداری شبکه در بردارنده این نکته است که حکومت از میان نرفته، بلکه تغییر شکل داده است. مرزهای نامشخص سازمان- نهاد برنامه‌ریزی در زمینه‌های دولت‌مداری و درگیری اجتماع و منطق پروژه در حال رشد، در تصمیم‌سازی شهری، ضرورت راهبردهای ایجاد دانش را نشان می‌دهد (نک: Van Wezemaal, ibid).

۸۶. نواحی شهری آرایشی پیچیده از روابط متقاطع در نظر گرفته می‌شود. ۸۷. نک:

- P. Healey, *Urban Complexity and Spatial Strategies: Towards a Relational Planning for Our Times*, pp. 171-200.
88. Wilson & Corey, *ibid*, p. 91.
89. B. Harris, "Informationis Not enough", p. 5.
90. L. Hopkins and P.V. Schaeffer, "The Logic of Planning Behavior (Planning Paper) Urbana-Champaign", p. 85.
91. Knight, *ibid*, p. 227.
۹۲. توسعه پایدار بر پایه این فرض استوار است که دانش‌های مختلف تولیدشده دست‌اندرکاران محلی مختلف در فرایند برنامه‌ریزی شهری با هم یکپارچه شده‌اند.
93. B. Rubenstein-Montano, "A Survey of Knowledge-based Information Systems for Urban

→ Planning: Moving towards Knowledge Management", p. 164.

۹۴. غیرعقلانی (irrational) یعنی بدون رعایت گام‌های پیاپی یک مدل تصمیم‌گیری عقلانی (شامل در نظر گرفتن همه مسیرهای گزینه، تعیین، و ارزش‌گذاری همه نتایج و بازتاب‌های هر گزینه و انتخاب گزینه ارجح).

95. H. Lailhonen and A. Lonngqvist, "Managing Regional Development, a Knowledge Perspective", p. 57.

96. Van Winden, et al, *ibid*, p. 26.

97. Documentary Research
98. Qualitative Content Analysis

۹۹. نک: دانش‌پور دیگران، «تدبیر چارچوب مدیریت دانش برای سیاست‌گذاری یکپارچه در کلان‌شهر تهران».

۱۰۰. داده‌های متنی (textual data) اشاره به داده‌های غیر عددی و شمارش‌نشده و در پژوهش برنامه‌ریزی شهری اشاره به اسناد نوشته‌شده چون اسناد سیاست‌گذاری، برنامه‌های شهری، و جز آن دارد.

101. H. Hsieh & S.E. Shanon, "Three Approaches to Content Analysis", p. 1285.

102. A. Bryman, 200 *Social Research Methods*, p. 565.

۱۰۳. اشباع نظری (theoretical saturation) یعنی انجام کار تا هنگام دست نیافتن به داده‌های جدید و تکرار شدن داده‌های قدیمی در پژوهش.

104. territorial
۱۰۵. برنامه‌های منطقه‌ای در ایران چون برنامه‌های توسعه استانی ←

تصمیم‌گیری نمود می‌یابد. مهم‌ترین دلایل این امر را می‌توان در سه مورد بیان کرد: نخست) نبود فرهنگ به‌کارگیری دانش در میان تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، دوم) تعهد نداشتن به تصمیم‌گیری مبتنی بر دانش، و سوم) باور نداشتن به اعتبار و به‌هنگامی دانش تولیدشده.

۵. نتیجه‌گیری با تأکید بر کاستی‌های چارچوب برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه در شهر تهران

در این مقاله بر نقش برنامه‌ریزی شهری برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه و تبدیل شهرها به شهرهای دانش- پایه تأکید شده است. بر پایه برون‌داد چارچوب تحلیل پیشنهادی، یعنی یافته‌های حاصل از انجام تحلیل سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، در این مقاله سیستم و سازوکار موجود برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران ناتوان از فراهم‌آوردن شرایط مورد نیاز برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه دانسته شده است، مگر آن‌گاه که عزم و باور به ایجاد چنین سیستمی در میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در شهر تهران نهادینه گردد. برنامه‌ریزی شهری برای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه نیازمند دگرگونی برای پذیرش رهیافت‌های نوین، نوآورانه، و خلاقانه در سیستم و سازوکار برنامه‌ریزی و تغییر «فرهنگ برنامه‌ریزی»^{۱۱۳} است که به صورتی ویژه برای شهری چون تهران مناسب‌سازی شده باشد. چنین فرهنگی به سیستم‌ها و سنت‌های برنامه‌ریزی مناسب‌سازی‌شده با ساختار فضایی تهران اشاره دارد و دربرگیرنده ابزارهای برنامه‌ریزی (چون قوانین و مقررات شهری)، سیستم و سازوکار برنامه‌ریزی (شامل سیستم‌های سازمانی و روابط بین‌سازمانی)، و شرایط گسترده‌تر فرهنگی- سیاسی برنامه‌ریزی (شامل ارزش‌های نهادینه‌شده و نهادینه‌نشده یک جامعه) فراتر از محتوا و روند کار برنامه‌ریزی شهری‌ای است که این مقاله

اختصاص به پرداختن به بخشی از آن‌ها دارد. بر پایه یافته‌های پژوهش تحلیلی این مقاله، نیاز به چرخش رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی به رهیافت‌های فضایی، رابطه‌ای و دانش- پایه برنامه‌ریزی و حرکت به سوی وضعیت و چارچوبی است که در آن اصول پایه‌ای به کار رفته باشد. مهم‌ترین چنین اصولی را می‌توان این‌گونه برشمرد: نخست) گسترش ابزارهای قانونی پشتیبان پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه، دوم) تقویت سازوکار رسمی همکاری (یا برقراری روابط همکاریانه) میان دست‌اندرکاران یا عاملان درگیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهری، سوم) ایجاد چارچوب یکپارچه سیاست‌گذاری شهری (یعنی هماهنگی چارچوب‌های سیاست‌گذاری شهری، و چهارم) به‌کارگیری و پذیرش یک رهیافت دانش- پایه در برنامه‌ریزی (تصمیم‌سازی دانش- پایه یا مدیریت دانش و تصمیم‌گیری دانش- پایه یا مدیریت با دانش) در سیستم برنامه‌ریزی شهری مرتبط با فرایندهای تولید و اجرای برنامه در شهر تهران. این چارچوب، شرایط زمینه‌ای پایه‌گذاری توسعه شهری دانش- پایه در شهری چون تهران را معرفی می‌کند. در صورت به‌کارگیری این چارچوب و اصول پایه آن در سیستم سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های شهر تهران، دستیابی به توسعه شهری دانش- پایه تسهیل می‌شود و فرصتی مناسب در اختیار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری برای راه‌اندازی و تکمیل سیستم دانش شهری، که توان دانش- پایه و یکپارچه کردن فعالیت‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهر تهران را دارد، قرار می‌گیرد. این امر به معنای بهره‌گیری از فرصت‌های دوره دانش در شهر تهران است که در صورت ترکیب مناسب و هدفمند با روال برنامه‌ریزی در سطوح شهری و فراشهری در ایران و در تهران، امکان ارتقای کیفیت زندگی در شهر تهران را به موازات و هماهنگ با جریان جهانی مرتبط با توسعه شهری دانش- پایه به‌همراه خواهد داشت.

→ یا برنامه‌های جامع ناحیه‌ای.

۱۰۶. تصمیم‌های سازمانی- نهادی خود-ارجاع اشاره به تصمیم‌هایی دارد که در یک سازمان- نهاد مبتنی بر مأموریت آن سازمان- نهاد و برای دستیابی به اهداف آن سازمان- نهاد خاص، بدون در نظر گرفتن اثرات این تصمیم‌ها در شبکه گسترده‌تر همکاری‌های بین سازمانی- نهادی، اتخاذ می‌شود.

۱۰۷. عوامل دانش در شهر شامل همه سازمان- نهادهایی است که دانش را در مورد شهر در اختیار دارند، یعنی نهادهای تولیدکننده و مصرف‌کننده دانش و اطلاعات در شهر، برای مقاصد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی.

۱۰۸. به جز برخی کوشش‌های پراکنده و نوپا در این زمینه.

۱۰۹. دانش معتبر (valid knowledge) اشاره به دانش درست، به‌هنگام، و با ساختار مناسب به‌کارگیری در برنامه‌ریزی شهری دارد. ۱۱۰. نک:

Carrillo, et al, ibid, pp. 80-101.

۱۱۱. دانش شهودی: اشاره به کسب دانش و آگاهی بدون واسطه یا استفاده از استدلال است که حاصل از قضاوت‌های آبی در درک یک موضوع است و در بیشتر موارد مبتنی است بر داده‌های دریافتی از موضوع، شرایط محیطی، آگاهی، تجربه، و آنچه که بدان خرد عملی گفته می‌شود.

۱۱۲. دانش تحلیلی: دانش تحلیلی دانش حاصل از انجام تحلیل‌های علمی و مبتنی بر روش‌های علمی و مبتنی بر موجودی و فراوانی اطلاعات و منتج از استدلال‌های ←

Florida, R. *The Rise of the Creative Class*, New York: Basic Books, 2002.

Friedmann, J. "Globalization and the Emerging Culture of Planning", in *Progress in Planning*, 64(3) (2005), p. 183-234.

Gibney, J. & S. Copleland & A. Murie. "Toward a New Strategic Leadership of Place for the Knowledge-based Economy", in *Leadership*, 5(1) (2009), pp. 5-23.

Gisselquist, R. *What Does "Good Governance" Mean?*, UN University, 2012, in <http://unu.edu/publications/articles/what-does-good-governance-mean.html>, accessed in 2016. 01.20.

Gonzalez, M & J. Alvarado & S. Martinez. "A Compilation of Resources on Knowledge Cities and Knowledge-based Development", in *Journal of Knowledge Management*, 8(5) (2004), pp. 107 – 127.

Graham, S & P. Healey. "Relational Concepts of Space and Place: Issues for Planning Theory and Practice", in *European Planning Studies*, 7(5) (1999), pp. 623-646.

Hall, P & K. Pain (Eds). *The Polycentric Metropolis: Learning from Mega-city Regions in Europe, and Sterling*, London: VA: Earthscan, 2006.

Harris, B. "Informationis Not enough", in *URISANews*, 90 (1987), pp. 4-6.

Healey, P. "Network Complexity and the Imaginative Power of Strategic Spatial Planning", in Albrechts, L and Mandelbaum (eds.), *The Network Society: a New Context for Planning*, London: Routledge, 2005, pp. 146-160.

_____. *Urban Complexity and Spatial Strategies: Towards a Relational Planning for Our Times*, Routledge, 2007.

Hopkins, L & P.V. Schaeer. "The Logic of Planning Behavior (Planning Paper) Urbana-Champaign", Department of Urban and Regional Planning, University of Illinois. 85 (1985).

Hsieh, H & S.E. Shanon. "Three Approaches to Content Analysis", in *Qualitative Health Research*, 15(9) (2012), pp. 1277-1288

Knieling, J & F. Othengrafen. "Planning Cultures in Europe: Decoding Cultural Phenomena", in *Urban and Regional Planning*, Germany: HafenCity University, 2009.

منابع و مأخذ

دانشپور، ز.، ابراهیم‌نیا، و.، و محمودپور، ع. «تدبیر چارچوب مدیریت دانش برای سیاست‌گذاری یکپارچه در کلان‌شهر تهران»، در فصلنامه هنرهای زیبا، ش ۵۷ (بهار ۱۳۹۳)، ص ۵۷-۷۰.

دانشپور، ز. درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.

محمودپور، نسرین. چارچوب انگاشتی برنامه‌ریزی توسعه شهری دانش- پایه در تهران، رساله دکتری برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.

Baum, S & T. Yigitcanlar & S. Horton & K. Velibeyoglu & B. Gleeson. *The Role of Community and Lifestyle in the Making of a Knowledge City*, Brisbane: Griffith University, 2007.

Becker, G. *Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis, with Special Reference to Education*, Chicago: University of Chicago Press, 1964.

Bryman, A. *Social Research Methods*, Oxford University Press, 2004.

Bishwapiya, Sanyal, *Comparative Planning Culture*, Routledge, 2005.

Callon, M. "Techno-economic Networks and Irreversibility, Sociology of Monsters?", *Essays on power, technology and domination*, Sociological Review Monograph, London: Routledge, 1991.

Carrillo, F.J. *Knowledge Cities: Approaches, Experiences and Perspectives*, Elsevier, 2006.

Carrillo, F.J. & T. Yigitcanlar & B. Garcia & A. Lonnqvist. *Knowledge and the City: Concepts, Applications and Trends of Knowledge-based Urban Development*, Routledge, 2014.

Corbisiero, F. "Social Capital: A Helpful Tool-concept within Social Sustainability Dimention", in *Sociology the Journal of the British Sociological Association*, 2011.

Cortright, J. *New Growth Theory, Technology and Learning: A Practitioners' Guide*, Portland: US Economic Development Administration, 2001.

Cressman, D. *Brief Overview of Actor-Network Theory: Punctualization, Heterogeneous Engineering & Translation*, Centre for Policy Research on Science & Technology (CPROST), 2009.

W. Caves, R. *Encyclopedia of the City*, London and New York: Routledge, 20005.

Wilson, M.I. & K.E. Corey. "The ALERT Model: A Planning-Practice Process for Knowledge-Based Urban and Regional Development", in Yigitcanlar T, Velibeyoglu K and Baum S (eds.), *Knowledge-Based Urban Development: Planning and Applications in the Information Era*, Information Science Reference, 2008.

Yigitcanlar, Tan & K. O'Connor & C. Westerman. "The Making of Knowledge Cities", in *Melbourne's Knowledge-based Urban Development Experience*. Cities, Vol. 25 No. 2 (2008), pp. 63-72.

Yigitcanlar, Tan & K. Velibeyoglu. "Knowledge-based Urban Development: The Local Economic Development Path of Brisbane", in *Local Economy*, Australia, Vol. 23, No. 3(2008), pp. 195-207.

Yigitcanlar, Tan. "A Comparative Knowledgebased Urban Development Analysis: Vancouver, Melbourne and Manchester vs. Boston", in *Proceedings of the 3rd Knowledge Cities World Summit: From Theory to Practice*, Melbourne, Victoria, (16/19 November 2010), pp. 112-128.

_____. "Knowledge-based Urban Development Redefined: From Theory to Practice Knowledge-based Development of Cities", in Yigitcanlar T and Fachinelli C (eds.), *Summit Proceedings of the 4th Knowledge Cities World Summit*, Brazil: Bento Goncalves, The World Capital Institute and Ibero-American Community for Knowledge Systems, 2011, pp. 389-399.

_____. "Making Space and Place for the Knowledge Economy: Knowledge Development of Australian Cities", in *European Planning Studies*, Vol 18 No 11(2010), pp. 1769-1786.

Yigitcanlar, Tan. & K. Velibeyoglu. "Knowledge-based Strategic Planning: Harnessing (in) Tangible Assets of City-regions", in Schiuma, G, Spender, J, & Lerro, A. (eds.), *Proceedings of the International Forum on Knowledge Asset Dynamics*, Italy, Matera: Centre for Value Management, University of Basilicata, 2008, pp. 296-306.

Knight, R.V. "Knowledge-based Development: Policy and Planning Implications for Cities", in *Urban Studies*, 32, (2) (1995), pp. 225-260.

Lailhonen, H & A. Lonnqvist. "Managing Regional Development, a Knowledge Perspective", in *International Journal of Knowledge-based Development*, 4(1) (2013), pp. 50-63.

Laszlo, K.C & A. Laszlo. "Fostering a Sustainable Learning Society through Knowledge-Based Development", in *Systems Research and Behavioural Science*, 24(5) (2007), pp. 493-503.

Lever, W. "Correlating the knowledge-base of Cities with Economic Growth", in *Urban Studies*, 39(5-6) (2002), pp. 859-870.

Nguyen, T.T. *Knowledge Economy and Sustainable Economic Development*, A Critical Review, New York: De Gruyter Saur, 2010.

Planning Policy Statement 1 (PPS). Planning Policy Statement 1: *Delivering Sustainable Development*, 2005.

Rantanen, H. "Mapping and Managing Local Knowledge in Urban Planning", ENHR, International Conference: Sustainable Urban Area, 2007.

Romer, Paul M. "Increasing Returns and Long Run Growth", in *Journal of Political Economy*, 94 (1986), pp. 1002-37.

Rubenstein-Montano, B. "A Survey of Knowledge-based Information Systems for Urban Planning: Moving towards Knowledge Management", in *Computers, Environment and Urban Systems*, 24(2000), pp. 155-172.

Van Wezemael, J.E. "Knowledge Creation in Urban and Knowledge Environment", in Yigitcanlar T, Velibeyoglu K and Baum S (eds.), *Knowledge-Based Urban Development: Planning and Applications in the Information Era*, London: Information Science Reference, 2008.

Van Windenm W., et al. "Creating Knowledge Locations in Cities: Innovation and Integration Challenges", in European Institute for Comparative Urban Research (Euricur), 2010.

→ علمی است که بر پایه یک فرآیند تحلیلی مشخص و تعریف شده حاصل می‌شود.

۱۱۳. فرهنگ برنامه‌ریزی (planning culture) به این صورت تعریف شده است: نخست) شیوه‌هایی (هم رسمی و هم غیررسمی) که برنامه‌ریزی فضایی در یک کشور یا شهر درک، نهادینه، و وضع می‌شود (Friedmann, ibid)، دوم) نگرش‌های مسلط و عادات جمعی برنامه‌ریزان راجع به نقش مناسب حکومت، نیروهای بازار، و جامعه مدنی در تحت تأثیر قرار دادن برآمدهای اجتماعی. درک برنامه‌ریزان از چارچوب‌های قانونی و اداری نقش مهمی بر تأثیرگذاری بر فرهنگ برنامه‌ریزی دارد (نک: Sanyal, *Comparative Planning Culture*، و سوم) فرهنگ برنامه‌ریزی به مثابه شیوه‌ای که دارای‌های یک اجتماع کاربست برنامه‌ریزی را نهادینه یا به اشتراک می‌گذارد، درک نمی‌شود. آن اشاره به تفسیر وظایف برنامه‌ریزی، شیوه شناسایی مشکلات، راه‌اندازی و استفاده از قوانین، روند کارها و ابزارهای خاص، و یا شیوه و روش مشارکت عمومی دارد. آن در نتیجه نگرش‌ها، ارزش‌ها، قانون‌ها، استانداردها، مصوبه‌های انباشت شده ظهور می‌کند که توسط گروه‌های از افراد درگیر به اشتراک گذاشته می‌شود و شامل جنبه‌های رسمی (سنت‌ها، عادات و رسوم) به اندازه جنبه‌های غیررسمی (چارچوب قانونی و سازمانی- نهادی) است (نک: Knieling and Othengrafen, "Planning Cultures in Europe: Decoding (Cultural Phenomena)"